

شده‌اند و پنج ده را از دست افغانها در آورده متجاوز از هزار نفر تلفات بقشون افغانها وارد آورده‌اند و سرحد امپراطوری روس را تا پشت دیوار هرات رسانیده‌اند.

در این موقع است که لرد رندولف چرچیل^(۱) وزیر مالیه انگلستان به بیزمارک نزدیک شده اتحاد دولتین انگلیس و آلمان را تکلیف میکند البته این اتحاد بر علیه دولتین روس و فرانسه است چونکه در همان اوقات جنگی بین آلمان و فرانسه و انگلیس و روس راه‌رسی در اروپا انتظار داشت و انگلیسها از این جنگی خیلی ترس داشتند چونکه ممالک ماوراء سرحدات هندوستان دیگر در مقابل روسها مانع بزرگی محسوب نمیشدند.

در ضمن شرایط پیشنهادی دولت انگلیس بدولت آلمان یکی هم این بود که تمام موضوعات راجع به ایران حتی راه آهن کلیه در دست دولت آلمان اداره بشود^(۲).

ولی دولت آلمان مخصوصاً بیزمارک در این تاریخ صلاح مملکت خود را نمی‌دید دست از اتحاد روس بر دارد همیشه بیزمارک این سیاست مدبرانه را در نظر داشت که با روسها متحد باشد اگر چه در کنگره برلن مناسبات دولتین قدری کدر شد ولی بعدها بجدو جهد بیزمارک اصلاح گردید.

در سال ۱۸۸۱ اتحاد بین دولتین روس و آلمان برای هفت سال بسته شد و در سال ۱۸۸۷ نیز برای ۳ سال دیگر تمدید شد ولی در سال ۱۸۹۰ بیزمارک معزول شد و جانشینهای او دیگر این استعداد او را نداشتند که بتوانند روسها را در اتحاد آلمان نگاه دارند، طولی نکشید روسیه بکلی بدست دولت فرانسه افتاد بعدها نیز رقابت بحری آلمان را فهمیده خودشان را بر روس و فرانسه ملحق نموده جزای عدم رشد و تمیز جانشینهای بیزمارک را با المضاعف بآنها دادند.

یکانه ترس بیزمارک بعد از سال ۱۸۷۱ این بود که روزی فرانسه انتقام سوداگران آلمان بکشد و خیلی سعی میکرد که از فرانسه تحجیب کند و آنها را از خود

[1] Randolph C burchill

[2] International anarchy P . 37

راضی دارد .

در سال ۱۸۷۹ بیزمارک بفرانسوی‌ها پیشنهاد کرد که من حاضریم با دولت فرانسه کمک کنیم تا اینکه تونس را برای فرانسه بگیریم در سال ۱۸۸۴ مجدداً با آنها نزدیک شد اظهار نمود من میخواهم با دولت فرانسه رابطه نزدیک داشته باشم خواهش میکنم از موضوع رن [۱] صرف نظر کنید من بمیل شمارفتار خواهم نمود البته این هنگامی بود که تصرف مصر از طرف انگلیسها قرانسویها را عصبانی کرده بود با این احوال فرانسه باین حرفها ایداً اعتنائی نمی‌کرد و همه آنها را خنده سیاسی میدانست [۲] .

سیاست سالهای اخیر بیزمارک این بود که از نزدیک شدن روس و فرانسه جلوگیری کند و خیلی میکوشید که چنین اتحادی پیش نیاید ولی دشمنی انگلیسها با هر دو اینها زمینه را سال بسال آماده میکرد [۳] تا اینکه بیزمارک از سیاست اروپادور اقتاد و زمام امور آلمان بدست اشخاص غیر اهل اقتاد و نتوانستند تعادل دول را در اروپا مانند بیزمارک در دست داشته باشند .

بهر حال این یک موضوع حتمی بود که اتحاد روس و فرانسه سر خواهد گرفت چونکه هر دو دولت از سیاست بیرحمانه دولت انگلیس بستوه آمده بودند و روس بواسطه رقابت انگلیس در آسیا و فرانسه بواسطه رقابت آن در آفریقا هر دو دولت بحیال خودشان با دست انگلیس ذلیل شده بودند چاره را جز اتحاد بین خودشان چیزی دیگر نمیتوانستند تمیز بدهند (۴)

دشمنی روس و انگلیس تا اواخر قرن نوزدهم باقی بود چون آلمانها حاضر نشدند با روسها در اروپا داخل در نبرد شوند انگلیسها در شرق اقیانوس تا پون را برای انجام این مقصود آماده نمودند این قسمت از تاریخ سیاسی مربوط بیک فصل جداگانه است چه در

[1] Rhin

[2] International Anarchy P. 50

[۳] سر ادوارد گری گوید سیاست مصر ما لازم میسرده که با آلمانها موافق باشیم و کمک آنها را جلب کنیم جلد اول ص ۸

[۴] گامبتا Cambetta در تاریخ زندگانی خود مینویسد بگانه چاره فرانسه در اتحاد با روس و انگلیس است که از آلمانها انتقام بکشد.

سالهای اخیر قرن نوزدهم و سالهای اول قرن بیستم رقابت دولتی در آسیا با اعلام درجه رسید
مخصوصاً در ایران که شرح آن خواهد آمد .

اما سیاست انگلیسها نسبت به ایران : در این تاریخ ۱۸۸۱ میلادی که روسها
روی موافقت با انگلیسها نشان دادند دیگر رقابت ظاهر بین دولتی وجود نداشت دولت
انگلیس افغانستان را بحال خود گذاشت ایران نیز بالطبع طرف توجیه نبود فرمانفرمای
هندوستان نیز در ممالک آسیا برای خود مشغولیات تازه بدست آورد قسوی هندوستان
مصرف این بود که مملکت بورما^(۱) ضمیمه مملکت پنهاور هندوستان گردد بالاخره
دو قرن موفق شد با سیاست و تهدید و جنگ آن مملکت را در سال ۱۳۰۴ - ۱۸۸۶ جزو
قلمرو پادشاهی انگلستان در آورد^(۲) . و ملکه انگلستان در نطق افتتاحیه پارلمان
انگلیس در فوریه سال ۱۸۸۶ ضمیمه مملکت بورما را به تصرفات دولت انگلیس اعلام
نمود .

البته با این گرفتاریها فرصت نبود که ایران نیز در حساب آید و یا بخواهد
اقدامات سیاسی دیگر بشود بهتر دیده شد که آنرا برای چندی بحال خود گذارند و
سیاست عدم دخالت در باره آن تعقیب کنند و منتظر باشند هر وقت دولت ایران از
روسها بسریزد و تمنا نمود دولت انگلیس نسبت بدان مساعد باشد آنوقت مساعدت
وزیر مختار انگلیس در دربار طهران فقط در مقابل تسلیم شاه اینکه تصایح مشفقانه
دولت انگلیس را قبول میکند این خواهد بود که يك مشت الفاظ خوش آهنگ
تحویل خواهد داد که از هر نوع مساعدت مادی و معنوی عاری باشد .

در این تاریخ لرد دو فرن سیاست احتیاط را از دست تداوم مواظب بود که
اتفاقات سوء در سرحدات افغانستان رخ ندهد در زمان همین لرد دو فرن بود که
جنرال ماکلیان^(۳) مأمور مشهد شد در آنجا مقیم شده که مواظب سرحدات افغانستان
باشد^(۴) .

[1] Burma

[۲] تاریخ زندگانی لرد دو فرن ص [۲۵۴]

[۳] ایضاً تاریخ زندگانی لرد دو فرن ص [۲۳۲]

[4] General Maclean

هر يك از فرمانفرماهای هندوستان سیاست مخصوصی نسبت بایران اعمال مینمود
بعقیده لرد مزبور ایران در سیاست خارجی هندوستان رول مهمی را داراست زیرا که
مملکت ایران با افغانستان و بلوچستان دولت انگلیس هم خاک و هم سرحد میباشد و
میتوان این طور فرض نمود که هر وقت روسها بخواهند به هندوستان حمله کنند اول بدون
فرزید نصف قسمت شمالی مملکت شاهنشاهی ایران را تصرف خواهند آورد هر گاه
لازم باشد بر اینکه انگلستان تصمیم بگیرد تعاضل اراضی ایران را و با اینکه اقلاً ایالات
جنوبی آنرا حمایت کند و در این صورت شاه را میتوان از این حمایت مطمئن نمود و
از ترس دایمی تجاوزات روسها در شمال خیال او را آسوده کرد.

اما رویه سیاست ما نسبت بایران همیشه در سیاست کلی ما جنبه فوق العاده ضعیفی
داشته است در نتیجه روسها همه روزه مقام خودشانرا در سرحدات خراسان و سواحل
بخر خزر مستحکمتر میکنند ما در این بازی هر روزه داریم می یازیم و همیشه باخت
یاماست.

چنانکه معروف است وزیر مختار دربار لندن مقیم طهران در تحت اوامر مستقیم
کابینة انگلستان است ولی در عین حال آنچه دستور از لندن دریافت میدارد و سواد آن نیز
برای فرمانفرمای هندوستان ارسال میگردد هنگامیکه لرد راندولف چرچیل در سال
۱۸۸۶ وزیر هندوستان بود پیشنهاد نمود روابط سیاسی ایران مستقیماً با فرمانفرمای
هندوستان باشد (۱) همچنین پیشنهاد شد روابط سیاسی مملکت سیام و دولت آسمانی
چین مستقیماً با هندوستان باشد و در نظر فرمانفرمای هندوستان نیز این پیشنهاد مفیدی
بود اما بملاحظاتی این پیش نهاد مورد قبول نیافت و وزارت امور خارجه انگلستان مخالفت
نمود.

علاوه بر این در این تاریخ نظر دیگر و پیشنهاد خیلی مهم تر از این بود و مورد

[۱] در سال ۱۸۵۹ موقعیکه سر هنری رالفسون وزیر مختار انگلیس در دربار طهران
بود همین موضوع پیش آمد یعنی در آن تاریخ روابط سیاسی بین ایران و انگلستان مستقیماً
! هندوستان بود شرح آن قبلاً اشاره شده و استغفای رالفسون نیز روی همین اصل بود که
صلاح نمیدانست دربار لندن با ایران روابط مستقیم داشته باشد. تاریخ زندگانی رالفسون.

قبول بیافت آن عبارت بود از اینکه در کابینه لندن یک وزیر دیگر هم بنام وزیر آسیا تعیین گردد و یک وزارتخانه بنام وزارت آسیا تأسیس شود که تمام مسائل مربوط با آسیایان وزارتخانه احواله شود و محل و عقد در آن جا صورت بگیرد با این پیشنهاد نیز بملاحظه روسها یا علل دیگر مخالفت شد (۱)

نویسنده زندگانی لرد دو فرن گوید سر آرتور نیکولسن (۲) شارژدافر دولت انگلیس مقیم تهران در این تاریخ خیلی کوشید و جدیت نمود که دولت ایران در ایالات جنوبی مملکت خود بیک اصلاحات اساسی مؤثر شروع نماید و وسایل ارتباط صحیحی برای آنها پیش بینی کند ولی اقدامات و جدیت های او همیشه بموانع بزرگی برخورد مینمود ولی پشارژ دافر سفارت انگلیس در طهران محرمانه گفته شد که روسها همین تقاضا را برای ایالات شمالی میکنند هر گاه یک چنین مساعدت هایی در جنوب نسبت با انگلیسها بشود در شمال هم همین مساعدت ها باید درباره روسها رعایت بشود چونکه اینها نیز این تقاضاها را خواهند نمود (۳)

در این تاریخ موضوع مهمی که در پیش بود کشیدن راه آهن سرمایه انگلستان در ایران بود عده از رجال انگلستان پیشنهاد مینمودند که یک خط آهن از پرت سعید بکراچی کشیده شود این خط از پرت سعید شروع شده و از شمال عربستان عبور کرده بنواحی جنوبی ایران خواهد رسید از آنجا بیه بلوچستان و از بلوچستان بکراچی، به نظر اغلب سیاستور انگلستان این خط آهن بهترین راه مستقیم بین لندن و هندوستان خواهد بود ولی موانع بزرگی که مقابل این پیشنهاد ایجاد شد لازم دیده شد که از آن راه صرف نظر شود.

لرد دو فرن نظرهای مخصوص نسبت با آئینه ایران داشت به نظر لرد مزبور حمایت از حکمرانان بی اطلاع و غیر آگاه سیاست، خود رأی و در عین حال ضعیف مشرق زمین بی لزوم است، مخصوصاً سیاست معلوم معینی نسبت با ایران داشت و آنرا تعقیب مینمود و در انجام

[۱] تاریخ زندگانی لرد دو فرن تألیف درویند ملک [ص ۲۶۶]

[2] Sir Arthur Nicolson

[۳] ایضا [ص ۲۶۷]

آن اصرار میورزید و آن این بود:

درگاه شاه بامراجعه نموده حمایت ما را خواهان باشد و مطیع تعلیمات ما شود امتیازاتی که روسها میخواهند رد کنند و بخواهد بطور جدی از این حمایت اطمینان حاصل کنند در این صورت تمام آن مساعدتهائی که از ما تحویل خواهد گرفت عبارت خواهد بود از یک جمله های دوستانه که آن جمله ها از هر نوع تعهدات مادی بطور دقیقانه عاری خواهد بود (۱)

نویسنده فوق بعد از فرمول سیاسی که لرد دو فون در قالب سیاست هندوستان انگلیس ریخته بود علاوه نموده میگوید: «با همه این احوال لرد معظم کاملاً با نقشه نفوذ انگلستان در ایالات جنوبی ایران موافقت داشت مخصوصاً تجارت انگلستان در آن نواحی بوسائل راههای آهن انجام شود و عقیده نداشت و برای هندوستان صلاح میدانست بعنوان مساعدت مالی پولی بدولت ایران داده شود. و طریق ترقی تجارت انگلستان در جنوب ایران بطور جدی تعقیب شود و در سایه زحمات خستگی ناپذیر سرهنگری درو و مولف وزیر مختار انگلیس مقیم طهران این کار به نتیجه خوبی رسید و در اثر جدیت های او امتیاز رود کارون برای توسعه تجارت انگلستان در جنوب بدست آمد اما در خلیج فارس هیچ تغییرات اساسی پیش نیامد و اوضاع برای انگلستان همانطور باقی ماند که قبلاً بود و استقلال جزایر آنجا برخلاف دسایس ایران و روس محفوظ ماند و حق حاکمیت دولت عثمانی نیز به کویت و نواحی ساحلی آن اطراف رد شد و با نفوذ آن مخالفت جدی بعمل آمد (ص ۲۶۸)».

در زمان فرمانفرمائی لرد دو فون خلیج فارس در نظر اولیای امور هندوستان اهمیت فوق العاده پیدا نمود در این باب در کتاب تاریخ زندگانی لرد مزبور مؤلف آن مینویسد:

[1] He (Shah) asks our minister for some definite assurance of support if in obedience to our recommendations he refuses some concession to Russia and all he gets in reply is a few assistance are care fully excluded . P . 268

« در این روزها بدون تردید خلیج فارس نقطه مرکزی سیاست بین‌المللی شده است لازم است دولت انگلستان يك عهده‌کشتی جنگی در آنجا حاضر داشته مواظب آن نواخی باشد».

در این تاریخ فشار حمله اروپا بطرف قسمت‌های جنوبی ایران چندین محسوس بود دول روس و آلمان و فرانسه چندین نفوذی در اینجا گذاشتند بنا بر این صلاح دیده شد که چهار کشتی زره‌پوش معین گردد که در این قسمت مواظبت کنند (ص ۲۷۲).

راجع به تصرفات آتیه انگلستان مؤلف فوق‌الذکر مینویسد: «در زمان فرمانفرمایی لرد لیتون قدم اول برداشته شد یعنی از ورود سند بکلات نفوذ ما امتداد پیدا نمود از آن زمان تا حال بدون اینکه محسوس شود بلوچستان تحت نفوذ ما درآمده است فعلا سرحدات هندوستان بحدود سرحدی ایران متصل شده و ذر آیتند بمرور زمان باکمال آرامی بطرف غرب سیر خواهد کرد تا اینکه از ایران و عربستان تجاوز کرده تمام نواحی غربی آسیا را احاطه خواهد نمود آنوقت است که مصر بمملکت هندوستان وصل میشود» (ص ۳۲۱)

از یادداشت‌های لرد دو فرن پیدا است که در این تاریخ روابط فرمانفرمای هندوستان با شهریار ایران حسنه بوده از طرف شهریار نشان شیر و خورشید برای خانم فرمانفرمای هندوستان فرستاده شده است در این باب مینویسد: «در هند خبر رسید که جنرال قونسول ایران یا آنجا خواهد آمد که نشان شیر و خورشید که پادشاه ایران برای خانم فرمانفرما فرستاده است برساند در آنروز لرد دو فرن و منشی امور خارجی هندوستان و تمام اعضای حکومتی بالباس رسمی حاضر شدند در این بین جنرال قونسول ایران وارد اطاق شده خانم فرمانفرما جلورفته نشان شیر و خورشید را با کاغذی که شاه فرستاده بود دریافت نمود. جنرال قونسول ایران تعلق فصیحی بفارسی ایراد نمود لرد دو فرن نیز بفارسی جواب داد و يك مدال طلا که ساخت زیبایی داشت بجنرال قونسول ایران هدیه شد و قونسول ایران را این مدال بسیار خوشنود کرد».

اماسیاست انگلستان نسبت بفرانسه

در تاریخ سیاست ما هراهمستر کلداستون هر يك از دول اروپا را بوعده‌هائی با خود همراه کرد دولت روس را بوعده از ترکه مرد علیل اروپا که قسمت مهمی در آتیه بدولت امپراطوری خواهد داد بمساعدت انگلستان در مسائل اروپا جلب نمود ، دولت ایتالی را بوعده تونس با خود همراه کرد . دولت آلمان را بوعده داشتن ایجاد روابط حسنه با آن دولت که از ترس انتقام فرانسه ایمن نبود بطرف انگلستان جلب کرد دولت اطریش بامید تصرف بوسنی و هر گوزین ذوابالت هم بدولت عثمانی پیرو خیالات کابینه مستر کلداستون شد فقط دولت فرانسه تنها مانده بود که آن نیز ناچار بود خواهی نخواهی سر تسلیم فرود آورد در این تاریخ کابینه لندن سیاست عمومی اروپا را طوری در دست گرفته بود که سایر دول دانسته و فهمیده از کابینه لندن که منافع آنها را بهتر از خودشان تمیز میداد پیروی میکردند .

کابینه لندن نیز در این تاریخ نقشه‌های مخصوصی برای خود در شمال و جنوب افریقا در سیام و واهی دیگر تهیه نموده بوده بود که اصطکاک با منافع دیگران نداشت جز اینکه در موضوع مصر با فرانسه در کشمکش سیاسی بود و بعید نبود اگر برای فرانسویها کمکی در میان دول اروپا پیدا شود بین دولتین فرانسه و انگلیس در سر مصر جنگ در بگیرد در این تاریخ اگر جنگ واقع نشد علت عمده همان تنهائی دولت فرانسه بود که کابینه لندن تمام دول اروپا را هر يك بعنوانی بطرف خود جلب نموده بود و فرانسه را در این قضایا در نهایت درجه بیچاره و عاجز بودند و این کینه را تا آخر قرن نوزدهم به هیچ وجهی نتوانستند فراموش کنند حتی چیزی نمانده بود که در سال ۱۸۹۸ جنگ بین دولتین سر بگیرد ولی بملاحظاتی که در موقع خود شرح خواهد داد کار بنزاع و ستیز کشید (۱) و متعاقب آن روابط حسنه در سال ۱۹۰۴ ایجاد گردید

(۱) در این تاریخ موضوع فاشردا پیش آمد ولی دولت فرانسه تسلیم شد و در موقع خود اشاره خواهم نمود

که بالاخره دسته بندی سه دولت انگلیس - فرانسه و روس محکم شد و جنگ ۱۹۱۴ را بوجود آورد .

یکی از مورخین مطلع (۱) مینویسد : دولت انگلستان غافلانه از قرن شانزدهم میلادی قصد داشتن منصرفات را در قاره اورپا ترك نموده بود از آن تاریخ میکوشید که برای خود در محالك دور دست مستملكات بدست بیاورد و در این مقصود نیز كاملا موفقیت حاصل نمود . و در عین حال مواظب بود در اروپا دولت قوی صاحب نفوذی بوجود نیاید که اسباب زحمت آن بشود فقط دولتی که در اروپا از آن حساب میبرد دولت فرانسه بود و از آن وحشت داشت و به همین دلیل هم بود که در جنگ فرانسه با آلمان دخالت نمود (۱۸۷۰) و گذاشت دولت آلمان فرانسه را ضعیف کند .

دولت فرانسه از زمان ناپلئون اول چشم طمع بمصر داشت و همیشه روابط خود را با آن حفظ میکرد اگرچه نفوذ سیاسی آن در سال ۱۸۰۱ در آن مملکت قطع گردید و مجبور شد نفوذ خود را که همراه ناپلئون با آن مملکت رفته بود احضار کند ولی نفوذ معنوی آن در مصر باقی بود گاهگاهی هم خدیو آن مملکت را تشویق مینمود که دم از استقلال بزند و انگلیس ها همیشه حاضر بودند از دولت عثمانی حمایت کنند و نگذارند مصر بتحرک فرانسه از عثمانی جدا شود با تمام این احوال باز فرانسه نفوذ خود را در مصر از دست نداده بود مدارس فرانسه در تمام قرن نوزدهم دایر بود اطفال جوان و دانشمندان پارچال حاضر در فرانسه تحصیلات خودشان را بیابان میرسایند . در حقیقت دولت فرانسه بود که تمدن غربی را در مصر رواج داد و سیاستمدان ماهر آن اصول جهانگیری را از راه صلح و سلامت با مهارت تام و تمام تعقیب مینمودند و قدم اول موفقیت این سیاست این بود که برای خدیو مصر استقلال کامل تحصیل نمایند و هر وقت هم اقدام با اجرای این فکر میشد فوراً سیاستمدان بیدار انگلیس سرموی کار آورده از عملی شدن آن جلوگیری میکردند .

ملت مصر پس از محمد علی پاشا و جنگ های او چندی با آرامی و آسایش نائل گردید مخصوصاً در زمان سعید پاشا يك دوره راحتی سکنه مصر بود و مملکت مصر بطرف

سعادت و ترقی سیر نمینمود در سال ۱۸۶۴ - ۱۲۸۰ اسمعیل پاشا در مستند خدیوی بر قرار گردید جلوس ایشان مقارن زمانی بود که جنگهای داخلی ایالات متحده آمریکای شمالی در نهایت شدت و سختی در کفر بود در این هنگام است ترقی فوق العاده نمود و يك ثروت سرشاری برای مملکت مصر روی آورد هرگاه اسمعیل پاشا عاقلانه رفتار مینمود و بایک مال اندیشی با اصلاحات شروع کرده بود عجله و شنا بر اکنار میگذاشت مملکت مصر در زمان او و بعد از او یکی از ممالک سعادت مند شرقی بشمار میرفت و این فلاکت و بدبختی نیز بملت مصر وارد نمیکردند و استقلال مملکت نیز از تجاوزات اجنبی مصون میماند .

اگرچه تمیخواهم در این موضوع خود را معطل نموده مصائب و معنی که بر ملت مصر در این تاریخ پیش آمد کرد و آنرا برای قرنهای ذلیل و بیچاره نمود شرح بدهم ولی چون موضوع تاحدی مربوط بنوره زمامداری مستر کلد استون است باید بطور خلاصه بدان اشاره کنم چه همین مسئله مصر بود کابینه لندن را به روسها نزدیک نمود که بین روس و دولت فرانسه جدائی انداخت از بند و بستهای محرمانه دولت انگلیس که نمیتوان با آسانی اطلاع حاصل کرد که در این تاریخ چه افسوسناک بگوش سیاسیون دربار امپراطور روس خوانند که تمام دشمنیهای دیرینه را فراموش نموده و باشاه لندن به تهدید دولت عثمانی علناً قیام نمود .

وقتی که تاریخ دوره اخیر مصر را مطالعه میکنیم میبینیم در حقیقت در سالهای اول خدیوی اسمعیل پاشا ملت و مملکت مصر با يك سرعت فوق العاده رو به ترقی میرود در هر رشته اصلاحات شروع شده است . احداث معجاری آبیاری ، ایجاد راه آهن ، احداث خطوط تلگراف و ساختن بندر دلتای معروف دهانه رود نیل کندن کانال سوئز و هزاران اصلاحات دیگر در هر رشته از امور مملکتی مخصوصاً در معارف که عدم مدارس آن عصر تا امروز انحراف نباشد بآن میزان نرسیده است در این تاریخ است که عصر بدینای متمدن معرفی شده و خدیو آن مملکت در بنقل و بخشش و جاه و جلال و تجملات شرقی و غربی شهره آفاق شده و سلاطین بزرگ و با عظمت اروپا دعوت مهمانی او را قبول نموده و بدوستی و آشنائی او اقبال میکنند .

هنگامیکه میخواست جشن افتتاح کانال سوئز را بگیرد از سلاطین با عظمت اروپا دعوت نمود که در جشن های افتتاحیه آن شرکت کنند فرانسوا ژوزف دو لیهارد پروس و هلنه فرانسه اوژن، درباریان سلاطین بزرگ و مردان سیاسی وقت، علما و فضلا و صاحبان صنایع و مدیران جراید معروف اروپا همه در این جشن حاضر بودند.

البته این ساختمانها و این اصلاحات مخارج هنگفت لازم داشت عایدات مملکت کفاف این همه مخارج را نمیکرد و خدیو مصر ناچار بود قرض کند و همین قرض نمودن اسان حکمرانی او را برهم زد طلبکاران نااهل پیدا کردند و مبلغ قرض با تنزیل های گزاف مانند ارقام تصاعد هندسی بالا رفت و در مدت پنجسال حکمرانی او قرض جدید مصر بریست و پنج میلیون لیره بالغ گردید. این مسئله دولت عثمانی را که صاحب حقیقی مملکت فراخته بود بوحشت انداخت و بدول اعتراض کرد که مجاز نیستند بدون اطلاع یا باعالی خدیو مصر قرض بدهند.

طلب کار عمده خدیو بانک های لندن و پاریس بودند با همه این اعتراضات دولت عثمانی باز حاضر بودند مجدداً بخدیو مصر قرض بدهند.

در سال ۱۸۲۵ بواسطه دست تنگی و فشار طاب کاران اروپائی اسمعیل پاشا مجبور شد سهام کانال سوئز را بدولت انگلیس بفروشد و این سهام که حالیه میلیونها لیره ارزش دارد در این تاریخ چهار میلیون لیره بدولت انگلیس فروخته شد.

اوضاع درهم مالیه مصر خدیو را بوحشت انداخت مصلحین خیر اندیش صلاح دیدند که مستشار مالی از دولت انگلیس بخواهند تا اینکه مالیه مصر اصلاح شود.

در سال ۱۸۷۶ مصر این تقاضا را نمود که دو نفر متخصص مالی از انگلستان بمصر اعزام شوند در عوض از لندن یک کمیسیون مستشاری برای خدیو معین گردید که بمصر آمده اوضاع مالی آن مملکت را مطالعه نموده بدولت پادشاهی انگلستان اطلاع بدهند تا این که نقشه صحیحی برای اصلاح امور مالی مصر کشیده شود.

در این تاریخ معروف بود که دولت انگلستان این پیشیون مالی را که بمصر میفرستد مقصود مطالعه مالی نیست بلکه مطالعات مقدماتی تصرف مصر است همین شایعات سبب

شد که دولت فرانسه نیز بدست و با افتاد مشاهده نمود که منافع سالیان دراز آن در خطه مصر از طرف انگلیس ها مورد تهدید است بنابراین آن دولت نیز يك ميسيونر را ميسون انگلیسی به مصر اعزام داشت تقریباً حضور این دو دسته نمایندگان در مصر تاحدی گذاشت خدیو مصر در اثر رقابت های آنها برای چندی نفس راحت بکشد .

شرح این داستان رایگی از نویسندگان ماهر اروپائی در يك کتابی موسوم به خرابی مصر در سال ۱۹۱۰ در لندن بطبع رسیده است (۱) این کتاب یکی از کتبی است که میتواند بمنزله يك نازیانه عبرت برای ملل مشرق بکمرود در آن تاریخ دست اندازی دولت انگلیس را بمصر با جزئیات آن با کمال بی طرفی شرح میدهد .

مؤلف کتاب خرابی مصر مینویسد : « قرضهای اسمعیل پاشا در اولیای امور با یغالی تولید اضطراب نمود بدول اروپا یادداشتی فرستاده اعتراض کرد و خاطر نشان کردند بخدیو مصر بدون صواب دید در بار عثمانی قرض داده نشود ولی نفوذ قرض دهندگان انگلیس در روزار نخانه آن دولت بقدری زیاد بود که طولی نکشید در موضوع قرض ۴۲ میلیون لیره که خدیو میخواست عملی کند در بار عثمانی در مقابل رشوهای هنگفت نه تنها تحصیل اجازه نمود بلکه يك فرمان سلطان عثمانی نیز صادر گردید که خدیو مصر در قرض کردن و قرار داد بستن و امتیاز دادن در تمام این قبیل مسائل مختار خواهد بود (۲) .

سرهنری الیوت (۳) وزیر مختار انگلیس در در بار عثمانی تمام این اختیارات را برای خدیو مصر تحصیل نمود و در این باب مینویسد : « وزیر مختار فسوق الذکر عقیده داشت تمام این اختیارات بدون معنی خواهد بود هر گاه خدیو مصر نتواند در بازارهای اروپا قروضی را که میخواهد آزادانه تحصیل کند . « بعد از این فرمان تمام قرضهای خدیو مصر را که تا حال مربوط بمملکت نبود بایدک اقدام مختصر برگشت و قرض مملکت و ملت مصر گردید و از این تاریخ به بعد دخالت دولت انگلیس در امور مالی

(1) Egypt a Ruin . By Theodore Rothstein . London .

(۲) خرابی مصر (ص ۶)

(3) Sir Henry Elliot

و سیاسی مصر جدی و آمرانه شد. (۱)

دولت فرانسه خیلی کوشید اسمعیل پاشا را حفظ کند و استقلال مملکت مصر را برای ملت مصر نگاهدارد ولی در مقابل سیاستیون ماهر انگلستان نتوانستند باین مقصود برسند و ناچار بودند در هر موضوع تسلیم نظریات دولت انگلیس گردند.

سیاست جهانگیری طرق مختلف دارد مؤثر ترین آنها اول از راه تجارت بعد از طریق مالی دیگر از راه بند و اندرز و صلاح اندیشی است در موضوع مصر نیز تقریباً بلکه بطور مؤثر همین سیاست را تعقیب کردند اول کابینه لندن صلاح دید برای برونق تجارت مصر دو نفر مستشار تجارتمی برای خدیو اعزام دارد و متعاقب آن دو نفر مستشار مالی درخواست شد که مالی مصر را مطابق اصول مالی انگلستان اداره کنند ولی مقصود دولت انگلستان از اعزام این میسون گرفتن اختیارات مالی آن مملکت بود بدست دولت انگلیس و شخص خدیو کاملاً مطیع صلاح اندیشی دولت انگلیس باشد. (۲)

اما مقصود دولت انگلیس از این میسون بعمل نیامد چونکه فرانسویها میسون دیگری از طرف دولت فرانسه بمصر اعزام داشتند و رقابت طرفین سبب شد که بین میسون انگلیس و خدیو مصر اختلاف حاصل شود و نتیجه از این میسون بدست نیاید و منترکیو (۳) رئیس میسون انگلستان که دستور مخصوص از کابینه لندن داشت در مصر اجرا کند بدون اینکه موفق شود بانگلستان مراجعت نمود.

در این بین نظر دیگر پیدا شد که بانک مخصوص با سرمایه بانکهای ۳ دولت انگلیس فرانسه و ایتالی در قاهره تشکیل شود و تمام قروض خدیو را از قرار صدی ۹ تنزیل یک کاسه کنند و مسائل مالی مصر را این دسته بانکی اداره کنند و راههای آهن مصر را بودیعه بردارند.

(1) England's responsibility was to be meddler and
 hor interventi · n in Egyptian affairs · Whether political
 Or financial · more active · indeed aggressive · P · 7 ·

(۲) کاب خرابی مصر (ص ۶۵)

(3) Mr · Caue

این پیشنهاد دولت فرانسه بود حتی و زیرا امور خارجه فرانسه با لرد دربی (۱) وزیر امور خارجه انگلستان داخل مذاکره شد و مخصوصاً پیشنهاد کرد که دو تین رقابت را کنار بگذارند و در موضوع مصر متحداً کار کنند اما لرد دربی این پیشنهاد را قبول نکرد چونکه کابینه انگلستان در نظر داشت کسی دیگری برای مالیه مصر اعزام دارد و این شخص مستر ریورز ویلسن نام داشت (۲).

در این تاریخ مستر ویلسن در پاریس بود که دولت فرانسه پیشنهاد تشکیل بانک را مینمود ولی انگلستان نظرات دیگری درباره مصر داشت و آن عبارت از این بود که مالیه مصر را تنها انگلستان اداره کند در صورتیکه عمده سهام قرضه در دست بانکهای فرانسه بود.

همینکه پیشنهاد تشکیل بانک فرانسویها از طرف انگلستان زد شد فرانسه نیز یک مستشار مالی موسوم به سیو ویلت (۳) انتخاب نموده بمصر اعزام داشت که در قضایای مالی خدیو کمک کند.

باز دربار خدیو مصر با حضور دو نفر از آقایان فوق الذکر که هر یک با دستور - های مخصوصی بمصر آمده بودند توپ میدان رقابت دولتین گردید هر یک فشار می آوردند نظریات دولت خود را بموقع اجرا گذارند مستر ویلسن تقاضا داشت یک کمیسیون انتخاب شده تمام موضوعات مالی را در اختیار و تصرف خود بگیرد. نماینده فرانسه نظر داشت این کمیسیون از نمایندگان دول انتخاب در محل مسائل مصر شرکت کنند.

خدیو مصر طرفدار پیشنهاد نماینده فرانسه بود لرد دربی وزیر امور خارجه انگلستان مخالف و حاضر نمیشد پیشنهاد فرانسه را قبول کند بنابراین مصمم شد اسمعیل پاشا خدیو مصر را تهدید کند (۴).

هنگامیکه دولت انگلیس مبعوضین مطالعات مالی را تحت ریاست مستر کیو بمصر فرستاده بود که متخصص مالی فوق الذکر در جزئیات موضوعات مالی آن مملکت

[1] Lord Derby

[2] Mr. Rivers Wilson

[3] M. villet

وقت نموده حتی مسائل سری درباری خدیو مصر را نیز راجع بمخارج آن مطالعات کند این شخص حتی مجاز بود که بتمام مسائل سری مالی آگاهی حاصل کند بتمام اسرار و درباری خدیو مصر مطلع گردد حال که از مصرفیه تمام آن اطلاعات را در اختیار وزیر امور خارجه انگلستان گذاشته بود اینک لرذری اسمعیل پاشا را تهدید مینمود از اینکه این اطلاعات سری را راجع باوضاع درباری خدیو که مستر کیو بدست آورده است. انتشار خواهد داد اما دیگر رعایت این نکته را نمیکرد که این اطلاعات سری بشرط سری بودن در مصر از دربار خدیو به مستر کیو داده شده البته اگر این اطلاعات منتشر میشد نتیجه آن خرابی خدیو و رسوائی او بود.

اسماعیل پاشا اعتراضات سخت و جدی نمود از اینکه این مسائل سری منتشر نشود و وزیر امور خارجه انگلستان خاطر نشان کرد که دادن این اطلاعات بمستر کیو فقط برای اطلاع شخص او بوده که مأمور تحقیقات مالی مصر بود هرگز برای نشر داده نشده است.

هنگامیکه این اعتراضات پاره پاره انگلیس رسید و از رئیس الوزرای انگلستان توضیحاتی خوانته شد جواباً اظهار نمود که او شخصاً مایل است این اطلاعات منتشر شود ولی خدیو مصر جداً مخالف است نتیجه سؤال پدارلمانی این شد که اعتبار مالی مصر بکلی از بین برود و همه کس فهمید که اوضاع مالی مصر فوق العاده خطرناک است.

وقتی که اسمعیل پاشا مجبور شد اجازه بدهد آن اطلاعات منتشر شود در صورتیکه هیچ آن صورتها را ندیده بود اظهار کرد: «حضرات قبر مرا کنند» (۱)
 بواسطه انتشار این اطلاعات بازارهای مالی بروی خدیو مصر بسته شد خدیو ناچار شد عدم توانائی خود را برای پرداخت اقساط اظهار دارد و سه ماه مهلت بخواهد.

در این موقع اسمعیل پاشا در دست طلبکاران اروپائی بکلی ذلیل و بی چاره شده

بود تنزیل این قروض در حقیقت کمرشکن بود از ۱۲ در صد تا ۲۵ در صد تنزیل میگرفتند در دنبال این طلبکاران نظریات رجال سیاسی مملکت قروض دهنده نیز در کمر بود.

همینکه اسمعیل پاشا از انگلیسها مأیوس شد بفراسه متوسل گردید با آنها قرار گذاشت که تمام قروض او را يك كاسه کرده از قرا هفت در صد تنزیل در مدت ۶۵ سال اصل و فرع آن استهلاك شود و برای تأمین پرداخت آن اقساط عایدات گمرکات و مالیات دخانیات را که در سال بالغ بهشت میلیون لیره بود بودیعه دادند.

این يك اقدام بس مفید و بیجا بود در وهله اول تصور میشد انگلیسها نیز با این قرار موافقت کنند حتی نمایندگان آنها نیز پیاروس رفتند که قراری در ایستاب بدهند چونکه پیدا بود اعتبار مالی مملکت مصر خیلی بیش از اینهاست و اگر با این نقشه موافقت شده بود خدیو و مملکت مصر از ورشکستگی نجات یافته بودند ولی بعدها وزیر امور خارجه انگلستان ایراد کرد و از قبول آن امتناع ورزید ولی خدیو مصر برای اجرای آن بدست سرمایه داران فرانسه اقدام نمود و احکام لازم را صادر کرد و مشغول عمل شدند. ولی طلبکاران انگلیسی باین امر راضی نشدند و مشغول اعتراضات گشته و اظهار نمودند باین نقشه مسترویلین نماینده و مستشار مالی انگلیس در مصر موافقت نکرده و معازم انگلستان است و این نقشه را غیر عملی میداند و تایمس لندن بنای توحه سرائی در این باب گذاشت^(۱).

امور مالی خدیو میرفت سر و صورت حساسی بگیرد و فرانسویها حاضر بودند مالیه مصر را فوراً بطور مطلوبی اداره کنند ولی دولت انگلیس غیر از مسائل مالی نظریات دیگر داشت و آن نظریات را مستر کلد استون بخوبی شرح داده است و آن عبارت بود از اینکه مملکت مصر اولین نهال مستعمرات پهناور قاره افریقای مادر آئیه است بعد به نیل بشید رسیده از خط استوا عبور خواهیم نمود آ نوقت با مملکت نائال و کیمپ تفون دست خواهیم داد دیگر از ترانسوال ورود اورانچ صحبت نمیکنیم که در جنوب واقعند یا از حبشستان و زنگبار اینها را میتوان توشه سفر فرض نمود که درین راه از

هضم رایج خواهندگذشت^(۱).

لرد دربی پاریس رفت باوزیر امور خارجه فرانسه دوک دسواز^(۲) ملاقات نمود و تصور میشد بیک راه عملی صحیحی منجر بشود و یک موافقت مناسبی بین طلبکاران مصر حاصل آید همین طور هم شد ولی وزیر امور خارجه انگلیس در پیشرفت این نقشه شکست سیاست خودرا مشاهده مینمود حال ازراه دیگر داخل شد مأمور تازه انتخاب نمود که بمصر رفته از خدیویک امتیازات مخصوصی برای طلبکاران انگلیس تحصیل نماید.

این شخص مستر گوشین بود که بعدها به لرد گوشین معروف گردید^(۳) این شخص سابقاً عضو کابینه آزادیخواهان بود و یکی از علماء مالی محسوب میشد بعلاوه شریک یک مؤسسه مالی هم بود که این مؤسسه اولین قرض را به اسمعیل پاشا داده بود غرض این بود که هم منافع شرکت خود را حفظ کند و هم بطور غیر رسمی منافع سیاسی انگلستان را حمایت کند این شخص چندین بار پاریس رفت و با اولیای امور مالی مذاکره کرد بالاخره موفق نشد باینکه فرانسوی ها آن نقشه مالی خودشان را که برای بهبودی اوضاع مالی مصر کشیده بودند پس بگیرند و از تویک طرح دیگری وضع کنند که بفتح هردو دولت مفید باشد.

در این جا باید بگویم که در این تاریخ فرانسوی ها از آلمان ها وحشت داشتند و این تا حدی هم اغراق نبود ، هم فرانسه و هم آلمان هردو از همدیگر در وحشت بودند فرانسه در خیال انتقام بود و آلمان در خیال دفاع و ترس از آتیه که یک روزی فرانسه موفقیت حاصل کند.

در این تاریخ اهمیتاً مرد سیاسی باعزم و اراده فرانسه بود و یک وطن پرست به تمام معنی خودرا معرفی کرده بود همین طور هم بود در روزهای شکست مملکت فرانسه از آلمان برای دفاع از فرانسه کسی بیش از او فداکاری نکرد و جدیدت نمود در آن

(۱) تاریخ زندگانی مستر کلداستون جلد دوم ص ۳۱۲

[2] Duc decazes

[3] Lord Goschen

روز های تاریک ملت فرانسه بایکدیغام و اندوه در گذرگاههای فرانسه ایستاده دست های قشون شکست خورده ملت خود را مشاهده مینمود و از شدت تأثر بی اختیار اشک از چشمان خسته و خواب آلود او سر ازیر میشد چونکه شبها بدون دقیقه استراحت برای دفاع فرانسه میکوشید و تاحیات داشت هرگز نشد غبار غم و اندوه آن روزهای پرمالال از چهره او برود .

این مرد وطن پرست در یاد داشت های خود که پس از مرگ او توسط پول دو شانل رئیس جمهوری فرانسه (۱) جمع آوری شده بطبع رسید در چندین موقع برجال سیاسی مملکت خود توصیه میکند که صلاح دولت فرانسه در این است که با انگلیس و روس متحد شده از آلمان انتقام بکشند و علاوه میکند یگانه راه نجات فرانسه در اتحاد با پروس و انگلیس است که بتواند شکست فرانسه را از آلمان جبران کند .

گامبتا در این ایام در دولت فرانسه صاحب قدرت و نفوذ کلمه بود و راضی نمیشد انگلیسها را از خود بر نجانند (۲) حتی الامکان سعی مینمود با آنها نزدیک شود خود رجال دولت انگلستان نیز این موضوع را بخوبی درک کرده بودند و روی همین اصل بود که روی خوش خودشان را بهر دولت نشان میدادند بهر دو وانمود میکردند که دوستی انگلستان يك قیمت مخصوصی دارد و هر يك از طرفین بهتر خریدار آن باشند قلب انگلستان متوجه آن طرف خواهد شد در صورتیکه هم فرانسه و هم آلمان هیچ يك نمیتوانستند پیش خود باور کنند که اساساً انگلستان قلب ندارد و اگر هم دارد حساس نیست در صورتیکه هم فرانسه و هم آلمان هر دو ملت دارای احساسات حساس میباشد برعکس رجال انگلستان هیچ نوع احساسات ندارند فقط منافع انگلستان است که رجال آن مملکت را هدایت میکند .

ترسیکه از فرانسه در قلب آلمان پیدا شده بود بزمه ارك آن مرد آهنین پروس را به طرف انگلیسها متمایل کرده بود حس انتقام که در دماغ رجال فرانسه ریشه دوانده

[1] Gambetta , by paul de schanel , preident of the French Republic , london 1920 .

بود آن‌ها را بطرف انگلیس‌ها متوجه ساخته بود رجال بیدار و مال‌اندیش انگلستان نیز احتیاجات هر دو طرف را بخوبی تمیز داده بودند و رجال هر دو دولت را مملکت انگلستان در موقعی که لازم بود بنفع انگلستان بکار میبردند و در آن‌به نزدیکی بمورد های آنها اشاره خواهد شد .

در این موقع رجال فرانسه حاضر شدند نقشه عالی خودشان را که برای نجات مصر از ورشکستگی کشیده بودند پس بگیرند در عوض حاضر شوند با صلاح دید متخصصین مالی انگلستان نقشه دیگری طرح کنند .

هر گاه بخواهم جزئیات دسایسی که برای زوال مملکت مصر در این تاریخ بکار رفت بیان کنم از مقصود خود دور خواهم افتاد ولی از آن طرف من مایلم تا حدی که ممکن باشد خواننده از علل زوال این ممالک شرقی و لو شده خیلی مختصر هم باشد مطلع گردد و يك عقیده داشته باشد چطور و چگونه این ممالک اسلامی که يك روزی بسبب خوف و وحشت عالم اروپا بودند یکی دنبال دیگری استقلال خود را از دست داد و ملل اجنبی که هیچ نوع برتری جز در مسائل مادی نداشتند بر آنها دست یافته از حقوق بشریت که ما آن را استقلال و آزادی مینامیم محروم نمودند .

در این موقع رجال فرانسه تسلیم نظریات انگلیسها شدند طرح نوعی عبارت از این شد که يك عده قرضهائی که مصر بانگلیسها داشت و تنزیل آن از ۱۰-۱۲ درصد بود کنار گذاشته شد که آن تنزیل را سرمایه‌داران انگلیس بدهند و بعضی تقسیمات دیگر نیز قائل شدند و يك قرضه جدیدی را هم عملی کردند این شد که ۶۶ در ۱۰۰ بود بودجه مملکت مصر بطلب کلران تخصیص داده شد فقط برای مملکت مصر ۳۴ درصد باقی ماند که امور آنرا اداره کنند البته برای اجرای این طرح لازم بود متخصصین مالی معین شوند قرار شد دو نفر یکی برای عایدات دیگری برای مخارج انتخاب شود و هر دو دارای اختیارات باشند و وزراء مصر نیز با کار آنها کاری نداشته باشند این دو نفر بمیل و اراده خودشان مالیه مصر را اداره کنند این بود طرح گوشین که برای اول دفعه برای اداره نمودن مالیه مصر بدست خارجی و با انتخاب خارجی عملی گردید این را در حقیقت می‌توان لب باریک‌گونه همزم شکن نامید که برای ترکاندن اساس استقلال

مصر بکار رفت (۱)

هنگامیکه بین فرانسه و انگلیس قرار داد فوق تصویب گردید گوشین عازم پاریس شد و نماینده فرانسه نیز مسیو ژوبرت باو ملحق گردید هر دو عازم مصر شدند که طرح نوین را عملی کنند قبلاً نیز توسط قونسول انگلیس در قاهره بگوش اسمعیل پاشا رسانیدند که شخص تازه انتخاب شده یکی از وزراء عالی مقام انگلیس است و ممکن است بعد ها نیز بمقامات عالییه برسد و در این موقع لازم است در دربار مصر رعایت احترام او بعمل آید و او را معزز بداند .

تا این تاریخ کشور مصر و اسمعیل پاشا در پناه رقابت دو تین فرانسه و انگلیس تاحدی در امن و امان زندگی مینمود حال طرفین موافقت نمودند فقط مملکت مصر است که در میان دو سنگ واقع میشود و با انواع مصائب و محن گرفتار میگردد .

طرح گوشین و ژوبرت این بود که تمام اختیارات مملکت مصر خواهی نخواهی می بایست بدست این دو نفر متخصص مالی بیفتد و این برای وطن خواهان مصر فوق العاده ناگوار بود بخصوص به اسمعیل صادق پاشا وزیر مالیه مملکت مصر که شخص با نفوذ و مطلع بود از عاقبت و خیم این طرح نو خدیو مصر را مطلع گردانید رجال وطن خواه مصر نیز پشتیبان وزیر مالیه شدند و بر نمایندگان دولتین معلوم گردید که اسمعیل صادق پاشا وزیر مالیه مانع پیش رفت نظریات حضرات می باشد و اسمعیل پاشا خدیو نیز جرئت نداشت بر علیه رأی وزیر مالیه اقدامی بکند حضرات عزل او را از خدیو خواستار شدند عزل او هم چندان کار آسانی نبود بالاخره معروف است پاشا به خود خدیو مصر بطور محرمانه و خائانه وزیر مالیه بقتل رسید ، پس از این دیگر مانعی برای اجرای طرح حضرات باقی نماند و بعد از يك هفته که از این واقعه گذشت خدیو مصر بحضرات اطلاع داد که طرح پیشنهادی گوشین و ژوبرت مورد قبول مصر است (۲)

(۱) خرابی مصر ص ۴۸

(۲) مؤلف کتاب خرابی مصر در باب کشتن اسمعیل صادق پاشا وزیر مالیه مصر مینویسد: و اگر کشتن وزیر مالیه مصر با اشاره طلب کاران خدیو فیوده در اثر فشار آنها بوده

مؤلف خرابی مصره یگوید: در این تاریخ ۱۸۷۶ - ۱۲۹۴ که خدیو مصر طرح پیشنهادی گوشین و ژوربوت را قبول نمود در این تاریخ دیگر مقدرات خدیو و مصر بدست سیاست مداران غدار افتاد اول شخص اسمعیل پاشا خدیو مصر بعد خود مملکت زرخیز مصر رو بزوال و نیستی رهسپار شدند .

اسمعیل پاشا در سال ۱۸۶۳ - ۱۲۸۰ بخدیوی مصر رسید و در سال ۱۸۷۶ - ۱۲۹۴ زمام امور آن مملکت از اختیار او خارج شد در این مدت ۱۲ یا ۱۳ سال چه ترقیات حیرت انگیزی در این مملکت روی داد و بجهت اصلاحات عام المنفعه آن مملکت نایل شد میتوان گفت تقریباً بمعجزه شبیه است !

در این مدت قلیل دوره خدیوی اسمعیل پاشا کانال معروف سویز کنده شد و بکار افتاد یکصد و دوازده کانال بزرگ برای آبیاری احداث شد که طول آنها روی هم ۸۴۰۰ میل بود در سال ۱۸۶۴ طول راه آهن مصر ۲۷۵ میل بود در زمان اسمعیل پاشا به ۱۱۸۵ میل بالغ گردید پنج هزار میل خط تلگرافی کشیده شد. ۴۳ پل برای عبور و مرور ساخته شد. بند مهم اسکندریه ساخته و آماده گردید. مجرای آب قاهره درست شد بندرهای کانال سوئز دایر شد. ۱۵ مناره چراغ دریائی ساخته شد. ۱۶۴ اسباب شکر ریزی احداث شد. کوچهها و خیابانهای قاهره و جاهای دیگر ساخته شد. نویسنده فوق الذکر علاوه میکند که بموجب حساب دقیق تنها همین اصلاحات ۴۶ میلیون لیره مخارج ساختمان آنها شده است .

در سال ۱۸۶۲ زمین حاصلخیز مصر چهار میلیون جریب بود در زمان اسمعیل پاشا به پنج میلیون و نیم جریب بالغ گردید و واردات مملکت از دو میلیون لیره پنج میلیون و چهار صد هزار لیره رسید و صادرات آن از چهار میلیون و نیم به چهارده میلیون بالغ شد .

جمعیت مصر از ۴۸۴۰۰۰۰ به ۵۵۵۱۸۰۰۰۰ نفر رسید .

علاوه بر این ها اصلاحات اساسی دیگر نیز بعمل آمد کمربکات مصر در زمان اسمعیل پاشا مانند کمربکات اروپا اداره شد پست خانه های آن منظم گردید، قوه قضائیه بطور صحیحی درست شد اصول قضائی اروپا معلوم گردید از برده فروشی بطور جدی جلوگیری شد معارف بطور مؤثری ترقی نمود میزان مخارج سالیانه آن از شش هزار

لیره به شصتاد هزار لیره رسید تا ایامات اجباری عامی ده مدارس دخترانه دایر شد در سال ۱۸۶۳ نمره مدارس مصر ۱۸۵ بود در سال ۱۸۷۵ به چهار هزار و شصت و هشتاد و پنج مدرسه دایر بود این ها غیر از مدارس جهانی و مدارس قظام بودند.

این ها مختصری از اصلاحات و ترقیات دوره اسمعیل پاشا است در حقیقت آنها را میتوان در يك مملکتی مانند مملکت مصر در آن تاریخ فوق العاده و خارق العاده دانست بدینگونه سیاست خداداد اجنبی نگذاشت يك چنین مملکتی با این قدمهائیکه برای ترقی مملکت مصر وسعادت ملت آن برداشته شده بود تا آخر برود و از آنها جاوگیری شدو جلو ترقیات آنها را گرفتند.

مؤلف علاوه کرده گوید: در تاریخ (۱۲۹۳ - ۱۸۷۵) فرض مملکت مصر در نتیجه این اصلاحات شصت و هشت میلیون لیره بالغ شده بود ولی اگر از روی انصاف بشکرتد بیش از ۴۴ میلیون لیره پنزانه خدیو مصر نرسیده بود ۲۴ میلیون لیره آن به عنوان عیب و غریبی بجیب پول قرض دهندگان و نماینده آنها رفته بود این نوع معاملات را نمیتوان معاملات عادی نامید برامزنی بیشتر شبیه است تا يك معامله عادی، این قبیل معاملات هیچ جای عالم نظیر نداشت جز در مملکت عثمانی، تمام این معاملات مالی که در لندن و پاریس برای مصر انجام میشد يك نوع توطئه بود که مخصوصاً برای دزدیدن مالیه خدیو بی اطلاع و ساده لوح مصر تهیه شده بود و این ها با سامی مختلف و پایك ابهت و عظمت مخصوص پیدا می شدند. بانک انگلیس و مصر و ما بانک فرانسه و مصر این قبیل مؤسسات در يك شب بوجود می آمدند و با يك نیت مخصوص یعنی بدنام انداختن خدیو مصر و تحمیل نمودن يك قرضه جدید با يك تنزیل کمزکن!

مؤلف يك نمونه از آن عملیات را بشرح ذیل شاهد می آورد مینویسند: «قرضه سال ۱۸۷۳ که بمبلغ ۲۸ میلیون لیره بود ۳۲ میلیون لیره در هفت درصد تنزیل عمل نمودند از این مبلغ فقط بیست میلیون و هفتصد هزار لیره بخدیو رسید ۱۲ میلیون آنرا برای تضمین نگاهداشتند. باین نیز قناعت نکرده خدیو را با تهدید مجبور کردند ۹ میلیون لیره آنرا از سهام قرضه قبلی در ۹۳ درصد قبول نمایند و صورتیکه قرض

دهنده خودش آنرا در ۶۵ درصد خریداری نموده بود. مؤلف در این جا علاوه کرده گوید: «انگلیس‌هایی که نسبت به شرافت ملی خودشان علاقه‌مند هستند باید از این نوع معاملات هموطنان خود خجیل باشند که در یک چنین این معاملات اندازه استفاده‌های غیر مشروع کرده به بدبختی و فلاکت میلیونها مردم فقیر و بی بضاعت مصر بی‌علاقه باشند این نوع ظلم و تعدی نکستی است.»^(۱)

در هر حال طرح گوتین و ژوبرت تا اواخر سال ۱۸۷۶ عملی گردید یعنی سرمایه داران لندن و پاریس امور مالی مصر را در اختیار خود گرفته‌آ‌تطوریکه میل داشتند بفتح صاحبان سرمایه مالیه مصر را اداره نمودند حقوق‌های درباری را کسر کردند عده از قشون را مرخص نمودند مخارج اندرون خدیو را محدود کردند تمام این‌ها را صرفه جوئی نام نهادند اقساط طلب‌کاران را قبل از موعد حاضر نمودند.

حال اوضاع مملکت و سکنه آن بجهت‌حالی افتاد این فست را خواننده باید بکتاب خرابی مصر مراجعه کند مملکت مصر بکلی فلج گردید و حقوق مستخدمین نرسید کارها از جریان افتاد مواجب و مقرری قشون ماهها پرداخت نگردید چرخهای اداری از کار افتاد از مجموع عایدات مملکتی که بالغ بر نه میلیون لیره بود هفت میلیون و نیم آن بطلب‌کاران داده شد فقر و فاقه در تمام شئون مصر حکم فرما گردید.^(۲)

شرح بدبختی و فلاکت ملت مصر در این تاریخ يك داستان بسیار غم انگیز و رقت‌آوری است. مورخ فوق‌الذکر میگوید: همه‌جا دیده میشد چگونه زنان و اطفال گرسنه در دهات لخت و برهنه برای بدست آوردن لقمه نانی پرسه میزدند در شهرها دیده میشد مردم از گرسنگی جان میدادند ده‌ها هزار نفر از فقر و فاقه در کوچه‌ها بهلاکت رسیدند.^(۳)

کنترول کمیسیون مالی از طرف دولتیین فرانسه و انگلیس در مصر ایجاد گردیده بود در مدت یکسال و نیم چنان اوضاع مملکت مصر را منقلب نمودند که خود اعضاء

(۱) خرابی مصر ۴۱

(۲) خرابی مصر (ص ۵۰)

(۳) ایضاً (ص ۵۴)

کمیسیون فوق الذکر مضطرب شدند ملاحظه نمودند اگر یکسال دیگر بدین منوال بگذرد انقلاب بزرگی از شدت فقر و فاقه در مصر ایجاد خواهد گردید و تمام سکنه آن گرفتار قسط و غلا شده از گرسنگی تلف خواهند شد این بود که چاره بنظرشان رسید که يك تحقیقات دقیقی در اوضاع مالی بعمل آورند برای اینکه تحقیقات بطور دلخواه خودشان بعمل آمده باشد که بتوانند حکومت را خود بدست بگیرند خدیو مصر را مجبور نمودند از دولتین فرانسه و انگلیس تقاضا کنند که يك کمیسیون بین المللی تشکیل شده باین مسائل رسیدگی کند و يك قرار عادلانه بین خدیو مصر و طلب کاران اروپائی بدهند .

کمیسیون فوق الذکر بنا شد برای رسیدگی در بای تخت مصر برقرار گردد البته اعضاء عمده آن هیئت کنترل مالی قبلی بودند به علاوه نمایندگان دیگر از طرف دولتین انگلیس و فرانسه و از دولت مصر نیز دعوت میشد که يك نفر نماینده در آن کمیسیون داشته باشد ریاض اشا که یکی از طرفداران جدی انگلیسها (۱) بود از طرف مصر معین گردید . بنام دلپس (۲) نماینده فرانسه که به سمت ریاست کمیسیون انتخاب گردید تمایس . پسها لرد ریورز و یلسن معروف شد که سابقاً اسمی از آن برده شده است البته مهارت انگلیسها در مسائل مستعمرات زیاده تر از فرانسه یا دیگران است با اینکه نظر این بود نمایندگان دول بنفع سرمایه داران اعمال نفوذ کنند نمایندگان انگلیس دیگران را هم با خود همراه کردند مسائل مصر را بنفع انگلیسها پیش بردند این مسئله طوری علنی شد که دولت فرانسه مأمور خود را (۳) احضار کرد و او را توبیخ و ملامت نمود تمام شئون او را از او سلب کرد طولی نکشید میو دلپس نیز وجودش عاقل و باطل شد از ریاست کمیسیون استعفا داد و سر ریورز

[1] Riaz pach was a Pron head anglo phile. Egypt, a
Ruin : p . 58.

[2] Ferdinand de Lesseps

این شخص بود که کانال سولز را ساخت

[3] M . Bligniers

ویلسن پریاست کمیسیون انتخاب گردید و کار بطور کلی بدست نمایندگان انگلیس افتاد.

در آپریل سال ۱۸۷۸ کمیسیون شروع بکار نمود و در ماه اوت همان سال را پرت مقدمات آن حاضر گردید و در آن راه پرت خرابی اوضاع مالی مصر بطور وحشت آوری شرح داده شده بود.

نتیجه عملیات کمیسیون بین المللی در مصر این شد که خدیو مصر تمام اختیارات خود را بر رئیس الوزراء نویر پاشا تفویض نموده سر ریورز ویلسن را هم وزیر مالی انتخاب کند پس از این قرار شد خدیو تمام دارائی خود را تسلیم دولت نموده خود به یک مقرر ماهیانه قناعت کند.

خلاصه عده زیادی از اروپائی ها با حقوق های گزاف داخل خدمت دولت گردیدند مستخدمین خود مصری کلر شان بجائی کشید که نزدیک بود از گرسنگی هلاک شوند و تمام کارهای بزرگ و کوچک بدست عمال اروپائی افتاد گشته هر یک دارای مواجب هنگفت شده بودند در صورتیکه مستخدمین مصر برای بدست آوردن حقوق مختصر خود در زحمت بودند و سالها تأذیه آن عقب می افتاد در صورتیکه مستخدمین اروپائی مصر بهترین حقوقها را گرفته و هیچ خدمتی را انجام نمیدادند.

مؤلف گوید: «بدینجهت مملکت مصر در فلاکت و بدبختی غوطه ور بود در حالیکه سالانه شصت هزار لیره بمستخدمین خارجی خود میپرداخت که در عمارتهای مجلل زندگانی نموده بدون اینکه کاری انجام بدهند راحت و آسوده زیست میکردند ولی مستخدمین صدیق مصر که زحمت کلر مملکت بردوش آنها بود این مختصر حقوق را هم ماهها عقب میانداختند و بآنها نمیدادند و در نهایت فقر و فلاکت زندگانی میکردند» (۱)

کمیسیون بین المللی که در رأس آن نمایندگان انگلیس و فرانسه قرار گرفته بود موفق شد در هشتم اوت حکمی از خدیو بدست بیاورد که نویر شاه رئیس الوزراء و سایر وزراء نیز بخواهید او انتخاب شده مملکت مصر را اداره کنند و در ضمن خدیو

متعهد شده که تمام پیشنهادات هیئت وزراء را بموقع اجرا گذارد باین ترتیب خدیو مصر اختیارات خود را کلاً بدست و زراه سپرد که آنها را عمال خارجی اداره مینمودند و مستر روز ویلسن در آن هیئت وزیر مالیه بود .

در انجام رقابت بین دولتین انگلستان و فرانسه بسخت ترین مرحله خود رسید اصطکاک طرفین در این موقع بقدری تهدید آمیز و شدید بود که انتظار میرفت بین آنها در مسائل مصر بجنگ منجر شود ولی انگلیسهای ماک اندیش فهمیدند که حال موقع آن رسیده است که بتوانند بتنهایی مصر را مالک شوند راضی شدند در کابینه مصریک مقامی هم بفراغه بدهند این بود حاضر شدند وزارت طرق و شوارع را بیک نفر فرانسوی واگذار کنند مشروط بر اینکه در اسکندریه دخالت نکنند هنوز این موضوع عملی نشده بود که دولت ایتالی وزارت عدلیه را و دولت اطریش وزارت معارف را خواهان شدند ولی سیاست انگلیس هر دو را لازم داشت بالاخره مقام مفتشی کل را بدولت ایتالیا و بدولت اطریش معاونت وزارت مالیه را تفویض نمودند و غائله خوابید وزراء اروپائی مشغول کار شدند و این هیئت بنام هیئت وزراء نویر و ویلسن معروف گردید .^(۱)

باین حال هیچ تفسیری در اوضاع مالی و فقر عمومی مردم روی نداد سر روز ویلسن هشت میلیون ونیم لیر در همان وهله اول باز قرض کرد و خواهرش و میل طلبکاران را بجا آورد و منافع آنها تا حدی که عقب افتاده بود پرداخت بازمانند زمان سابق مالیات بزور از فلاحین گرفته میشد رعایا باز مجبور بودند مال و حشم خود را فروخته قبلاً مالیات را بدهند ولی از حقوق عقب افتاده مستخدمین دولت هیچ خبری نبود آنها باز با عیال و اطفال خود در حال گرسنگی و فلاکت باقی بودند اما طلبکاران اروپائی از کابینه نویر و ویلسن رضایت حاصل نمودند اما از آن طرف هزارها مردم و شیوخ رعایا و فلاحین از اطراف مملکت آمده یا عریضه های خود در سر راه وزراء اروپائی ایستاده منتظر بودند بعراض آنها رسیدگی شده آنها را از ظلم و تعدی و فشار مالیات بگیرها نجات بدهند ولی کسی اعتنا بآنها نمیکرد و این وزراء با کمال وقار و جلال آمد و شد میکردند بدون اینکه باین

شاکی ها توجهی نکنند (۱) .

همه کس آگاه بود که این اوضاع دوامی نخواهد داشت طولی نخواهد کشید که مردم به ستوه آمده انقلاب عظیمی برپا خواهند کرد و هر کس در انتظار بود که بهانه بدست بیاید و اسبابی برای انقلاب فراهم آید و این اسباب را هم خود وزراء تهیه نموده بدست مردم دادند .

برای اینکه برای افساط طلبکاران پول تهیه شود کابینه نو بر ویلسن تصمیم گرفت که دو هزار پانصد نفر صاحب منصب نظامی را از خدمت معاف کنند تا اینکه برای پرداخت افساط قرضه محل پیدا شود این صاحب منصبان یکسال و نیم بود که دیناری حقوق نگرفته بودند در میان آنها عده زیادی بودند که سه سال بود مواجب و مقرری خودشان را دریافت نکرده بودند .

این عمل کابینه وزراء محکم آتشی را داشت که بمخزن بار و پانداخته شود مستخدمین کشوری را ممکن است مدت ها معطل و سرگردان کرد ولی با نظامیان مسلح نمیتوان بازی نمود و آنها را با حال گرسنگی و بدبختی از خدمت نظام اخراج کرد شاید این تصمیم نیز همدی بوده و بتوان در آن شک داشت مخصوصاً باین امر مبادرت نمودند که نظامیان معطوع را باغتشاش و انقلاب وادار کنند .

در هجدهم ماه فوریه ۱۸۷۹ هنگامیکه توبر پاشا و سرورز ویلسن یوزار تختاه های خود میرفتند يك عده از نظامیان از خدمت معاف شده آنها را از کالسکه پائین کشیدند در وزارت مالیه آنها را حبس کردند همینکه خبر دیواز واقعه مطلع شد فوری آمده صاحب منصبان را متفرق نمود و حبسی ها را نجات داد و عده داده شد که عنقریب حقوق آنها پرداخت شده برایش آنها رسیدگی خواهند شد .

این يك علامتی از انقلاب بود و فهمیدند که سکنه رام و ملایم مصر در تحمل شدايد و سختی حدی را قائل هستند و از آن حد که گذشت کاسه صبر آنها لبریز خواهد شد و از شدت فقر و پریشانی مجبور بشورش و اغتشاش خواهند شد .

امادشمنان اسمعیل پاشا خدیو مصر این اغتشاش و شورش صاحب منصبان نظامی را

بتحریرک و انخواستن او نسبت داده و او را در این واقعه معرک قلم دادند خود اسمعیل پاشا نیز نویر پاشا را مؤسس تمام این پیش آمدها دانسته رسماً اعلان نمود که تا نویر پاشا در مقام ریاست وزراء کابینه مصر باقی است خدیو بهیچ وجه از امنیت عمومی اطمینان ندارد و عزل او را خواستار شد.

مستردیویان (۱) جنرال قونسول انگلیس مقیم قاهره بعد از گفتگوهای زیاد راضی شد که نویر پاشا استعفا بدهد مشروط بر اینکه در اساس کابینه وزراء که عبارت از هشت اروپائی باشد هیچ تغییری ندهد. (۲)

در این تاریخ در حقیقت نویر پاشا بیش از وزراء اروپائی اسباب زحمت خدیو مصر شده بود در خرابی مملکت بدست اعمال اجنبی کوشش مینمود خدیو دیگر در این موقع بجان آمده جداً عزل او را خواهان شد.

مؤلف کتاب خرابی مصر در این باب چنین مینویسد: « برای عزل نویر پاشا موافقت شد مشروط بر اینکه دیگر خدیو بکارهای هیئت وزراء کاری نداشته باشند در جلسات آن هاهم حضور پیدا نکند و در اداره نمودن مملکت هم دخالت نکند و در همان حال با آنها موافقت نظر داشته باشد.

قونسول جنرال دولت انگلیس علاوه نموده خدیو حاضر نشان میکند این که دولت پادشاهی ملکه انگلستان چیزیرا که مایل است این است که خدیو عوض بی اعتنائی و کناره گیری و اظهار تنفر از اوضاع جدیدی که پیش آمده خوب است که تمام اطلاعات و نفوذ و تجربه خودشان را در اختیار هیئت وزراء بگذارند قلباً و از روی میل و رغبت با آنها همکاری نکنند بعبارت دیگر خدیو هیچ نوع دخالتی در اداره کردن مملکت نداشته باشند. اما چون دارای نفوذ کلمه در میان ملت مصر است تمام آنها را برای دسایس کابینه اروپائی مصر و برای پیش گرفتن خیالات آنها بکار می اندازد نتیجتاً این خواهند شد طلب کاران بمنافع خود رسیده هر خرابی که پیدا شود بنام اسمعیل پاشا خدیو مصر تمام خواهد شد.

(1) Mr. Vivian

وزراء خارجی مصر بعد از طغیان صاحب منصبان نظامی فهمیدند که بهتر این است که کارها را باسم اسمعیل پاشا تمام کنند در صورتیکه باو هیچ نوعی دخالتی در امور ندهند در این موقع نیز که میخواستند کابینه را ترمیم کنند و نو بر پاشا عوض بشود خیلی کوشیدند خدیو را راضی کنند فقط بنام او این تغییرات انجام داده شود ولی از قبول ننمود بالاخره کابینه را آنطوریکه مایل بودند ترمیم کردند ولی عوض اسمعیل پاشا توفیق پاشا ولیعهد خود او را که يك جوان بی تجربه و کم سن بود بریاست شوری انتخاب نموده خدیو را کنار گذاشتند.

مؤلف کتاب خرابی مصر گوید: «در این تاریخ مملکت مصر بدست اروپائیان اداره میشد بدون اینکه دخالتی در کارها بصاحب مملکت داده شده باشد حکومت مملکت مصر رفتفرقه بدست وزراء اروپائی افتاد وزراء و کارکنان خود مملکت از کارها کنار گذاشته شدند» (۱)

این قضایا و پیش آمدنها محیط علی مصر را مسموم نمود از اطراف و جوانب علماء و شیوخ و بزرگان مملکت در قاهره گرد آمده در صدد بودند که وطنشان را از خطر و دسایس غربی نجات بدهند و حاضر بودند همه نوع فداکاری کنند. مجالس و اجتماعات تشکیل داده تصمیم گرفتند بهر فداکاری شده باوضاع پریشان مملکت مصر خاتمه دهند. و این اجتماعات يك هیئتی مخصوص پیش خدیو فرستاده و باو اطمینان دادند که ملت مصر حاضر است هر دستوری از طرف خدیو صادر شود با جان و دل اطاعت کنند. و حاضرند مملکت را از چنگال اروپائیان بهر فداکاری که باشد دریاورند و از او خواهش کردند اجازه بدهد ملت مصر در کار مملکت دخالت نکند اگر چه بعضی از مورخین این جنبش و هیجان ملی را بتعریکات خود اسمعیل پاشا نسبت میدهند ولی از فداکاری هائیکه بعدها از طرف ملت مصر ظاهر شد معلوم میگردد که تمام این اقدامات تنها مر بسوط باشارات او نبوده است.

در هر حال از اوایل سال ۱۸۷۹ - ۱۲۹۷ این اجتماعات در مصر ایجاد شد و رفته رفته قوت می گرفت و از هر طرف ملت مصر بفریاد در آمده و خاتمه این حوادث تا گوار را

تقاضا مینمودند اما مدیران اروپائی مصر با تمام این جریانها مخالف بودند و هرگز راضی نمیشدند اسمعیل پاشا و با ملیون مصر که حال قوتی بسزا گرفته بودند در امور مملکت دخالت داشته باشند و میدانستند همینکه پیشروان ملت در کارها شرکت کردند بدسایس دولتین انگلیس و فرانسه در مملکت مصر خاتمه خواهند داد این بود که با هر وسیله که ممکن بود از نفوذ آنها جلوگیری میشد.

در این تاریخ که مملکت مصر رسماً با هیئت اروپائیا اداره میشد منافع خود مملکت هیچ وقت در نظر گرفته نمیشد فقط کاری که جداً کارکنان اروپائی مصر انجام میدادند عبارت از آن بود که تمام عایدات مملکت را بزور و فشار جمع آوری نموده بطلبکاران اروپائی تسلیم کنند و این قروض با تنزیل های هنگفت گرفته شد ولی فریاد اهالی بعرض رسیده بود و علماء و بزرگان و شیوخ مملکت التماس میکردند که اقلاً در تنزیل این مبالغه گزاف تخفیف بدهند تا ملت مصر بتواند این وجوه را بپردازد چیزی که مورد توجه نبود همانا درخواست و التماس های سکنه مصر بود.

از طرف دیگر این کابینه اروپائی اصرار داشت که از مخارج مملکتی روز بروز کاسته شود و بر مالیاتها افزوده شود. (۱)

این اتفاقات و وقایع تمام سران ملت مصر را در اطراف اسمعیل پاشا جمع نمود و آنها را وادار کرد که برای نجات مملکت چاره بیندیشند بالاخره تصمیم این شد که مجلس شورای مصر را که از زمان محمد علی پاشا سابقه داشت تشکیل دهند نتیجه آن بوجود آمدن مجلس ملی مصر شد که در اصطلاح امور شور کنند همینکه این مجلس شروع بکار کرد ریاض پاشا تصمیم گرفت از دخالت آن در امور جلوگیری کنند خود دستور داد در آنرا بسته محل را اجاره دهند همان کاریکه کرامویل (۲) در سال ۱۶۵۵ در انگلستان انجام داد اولین عمل کند ولی ملت مصر حاضر نشد و کلاً پیشنهادات او را جدأ رد کردند و اظهار نمودند این مجلس برای این تشکیل شده که از تجاوزات وزراء داخله و خارجه جلوگیری کند. (۳)

(۱) کتابی خرابی مصر صفحه ۷۸

(2) Oliver Cromwell.

(۳) خرابی مصر ص ۸۴

اصطکاک بین وزراء خارجی مصر و پارلمان مصر که از وطن خواهان حقیقی تشکیل شده بود روز بروز زیاد گشت.

مستر ویویان فونسول جنرال انگلیس که تا حدی با سیاست ملایم همراه بود و بارها با سررورزی و یلسن مشاجره داشت او را از استعمال زور و فشار درباره مصری ها ملامت میکرد بالاخره ویلسن موفق شد حکم احضار او را از مصر صادر کند بجای او کسی انتخاب شد که در نظریات سوء او نسبت بمصر بمراتب از ویلسن بدتر بود در نتیجه این همه فشار و تعدی و اصطکاک با مجلس ملی مصر و کلاء مجلس بستوه آمده ملت را اغوا نمودند عزل وزراء اروپائی مصر را جدا بخواهند.

در این موقع عریضه بمقام خدیو مصر از طرف ملت تهیه شد که آرا شیخ الاسلام مملکت مصر امضاء نمود هفتاد نفر از علماء اعلام آرا مهر کردند و رئیس روحانیون یهود از طرف آن ملت امضاء کرد. ۶۰ نفر از پاشایان معروف و ۶۰ نفر از رجال و ۴۰ نفر از اشراف مملکت عنده زیادی از صاحب منصبان نظام مهر کرده استند و وزراء خارجی مصر از کلرهای مملکت کناره کشند و شخص خدیو هیئت وزراء جدید را بر طبق اصول و قوانین مملکت خود انتخاب کنند.

خدیو مصر هیئت وزراء را خواست عریضه ملت را بآنها ارائه داد پاشا را معزول کرد و شریف پاشا را که شخص وطن خواه و با معلومات بود بتشکیل کابینه جدید مأمور نمود (۱).

ملت مصر با فداکاری تام و تمامی در اطراف وزراء جدید و مجلس ملی مصر گرد آمده او امر و احکامات آرا با میل و نشاط تمام انجام میدادند ولی این حسن استقبال ملت برخلاف میل باطنی دولتیین فرانسه و انگلیس بود نظر هر دو آنها این بود که مصر بوسیله دست نشاندگهای آنها اداره شود هر دو ملت متمدن جهان بر علیه ملت و کابینه و اسمعیل پاشا قیام کردند و هر دو جدا خواستند مجدداً کابینه اروپائی مصر سرکار آید و برای مطالبه طلب های خودشان فشارهای سخت وارد آوردند (۲).

(۱) خرابی مصر ص ۸۹

(۲) خرابی مصر ص ۹۱

در این موقع حرارت فرانسه بیش از انگلیسها بوده (۱) چونکه احتیاج فرانسه بانگلیس از ترس آلمان در این موقع بساکنهای اوج خود رسیده بسود دشمن مصر و اسمعیل پاشا در این تاریخ دولت انگلیس بود ولی فرانسه با عزل خدیو بیش از انگلیس جدیت نشان میداد اول فرانسه بود که عزل اسمعیل پاشا را عنوان نمود.

با اینکه رجال درجه اول فرانسه دوستی واتحاد و یگانگی را بانگلیس خواهان بودند انگلیسها برای حفظ منافع خود فرانسویها را بازی میدادند در ظاهر با آمال و آرزوهای آنها خود را موافق نشان میدادند و در عین حال پیش خود استدلال میکردند اگر با تقاضای فرانسه در محافل مصر موافقت کنند دیگر فرصت باقی نخواهد ماند که بتوانند به تنهایی مصر را تصاحب کنند از یک طرف فرانسه جدا عزل اسمعیل پاشا را میخواست و انگلیسها هم یگانگی مانع خودشان را اسمعیل پاشا میدانستند ولی برای اینکه با فرانسه در امور مصر شرکت نکنند بقای او را لازم میدانستند و برای سیاسیون ماهر انگلستان ثابت بود اگر در بعضی محافل سیاسی با فرانسه موافقت کنند هرگز نخواهند توانست بمملکت مصر دست یابند این است کابینه اروپائی رفت اسمعیل پاشا کابینه خود را تشکیل داد و شروع بکار نمود فرانسه جدا مخالفت کرد عزل اسمعیل پاشا را خواستار شد حال دیگر کفایت اقدامی ندارد باید ملیون مصر را جلب نمود و از فرانسه جدا کرد و منتظر بود موقع مناسبی برای زدن آخرین ضربه بدست آید حال وقت آن است که از اتحاد فرانسه در مسائل مصر کناره کرد.

روزنامه‌های مهم انگلستان از قبیل تایمز معروف شروع بنوشتن مقالات نمود و سیاست دوات را از اینکه از سرمایه‌داران طرفداری مینمود تنفید کرد و آنها را مسئول سیاست خطرناک نمود که در مصر تعقیب میکردند و اسم آنها را ظلم و تعدی گذاشت. دلایل قوی اقامه نمود که خود اسمعیل پاشا خدیو مصر و مجلس شورای او کابینه جدید او

(1) I am sincere friend of the English new break of the alliance with England. Gambetta by paul Deschanel - p. 316

من دوست صمیمی انگلیسها هستم هرگز اتحاد خود را با انگلیس قطع نکنید
گامبتا (ص ۳۱۶)

بخوبی نمیتوانستند امور مملکت خودشانرا خود اداره کنند چونکه قشون واعیان و اشراف و علماء و ملت همه متحد شده برای مملکت خود جدا کار میکنند و يك روح تازه پیدا شده نشان میدهد که مملکت مصر رو بترقی میرود و نمیتوان آن مملکت را برخلاف میل و اراده ملت مصر اداره نمود. (۱)

اما اگر کسی از پیچ و خم های سیاست انگلستان تا اندازه آگاه باشد میداند این سیاستیون زبردست چه بازیگرهای ماهر صحنه سیاست هستند از يك طرف ملت مصر قیام کرده گرد اسمعیل پاشا جمع میشوند و اسمعیل پاشا اقدام کرده مجلس ملی را تشکیل میدهد کابینه اروپائی را که در رأس آن نمایندگان دولت انگلیس قرار گرفته اند معزول میکند بمیل خود کابینه نو تشکیل میدهد فرانسه عصبانی شده با حرارت تمام عزل اسمعیل پاشا را میخواهد روز نامدانگلستان دولت را برای سیاستی که نسبت به مصریش گرفته است تنقید میکند کابینه لندن صلاح اندیشی کرده میگوید بهتر است بگذارند خود بمصر باملت خود که متحد شده آن مملکت را بمیل خودشان اداره کنند و علاوه میکند که يك مملکت را نمیتوان برخلاف میل سکنه آن اداره نمود.

این است نمونه از شاهکارهای سیاست. حال در این بین شخص ثالثی پیدا شده بخدیو مصر اعتراض میکند و او را برای طلب های اتباع آلمان و اطریش تهدید میکند این شخص ثالث نیز مارك صدراعظم آلمان است.

در همان حین که اسمعیل پاشا را تهدید میکند بدولتین فرانسه و انگلیس نیز اطلاع میدهد و اظهار میکند که اقدامات او فقط برای مسائل مالی است و موضوعات سیاسی را کار ندارد و حل آنها را بدولتین فرانسه و انگلیس واگذار میکند، و در عین حال دولتین فرانسه و انگلیس نیز از این پیش آمدناظهار تعجب میکنند چونکه تا این تاریخ از دخالت آلمان در قضایای مصر هیچ اثری نبود اما همینکه نیز مارك داخل مصر که شد فوراً صحنه عوض میشود سیاست دولت انگلیس نیز تغییر میکند تا حال که ماظهار میشود بگذارند مملکت مصر را خود مصریها اداره کنند و خدیو باملت خود متحد است و بخوبی از عهدہ اداره کردن آن برمی آید این بار آهنگه عوض شده دولت انگلیس چنین صلاح اندیشی

میکند که برای مملکت مصر مناسب است اسمعیل پاشا استعفا بدهد و پسر او و لیمهد او بخدیوی مصر برقرار گردد.

در این باب با بهالیرائیز همراه نمودند اگر اسمعیل پاشا مخالفت بکند سلطان عثمانی عزل او را اعلان کند همین طور هم شد در ۲۶ جون ۱۸۷۹ سلطان عثمانی عزل اسمعیل پاشا را تلگرافی بمصر اطلاع داد خدیو نیز دانست که دیگر مقاومت فایده ندارد استعفا داد و تمام بزرگان مملکت را احضار و تصمیم خود را بآنها ابلاغ نمود. (۱)

توفیق پاشا در جای پدر بخدیوی برقرار گردید باز نفوذ خارجی ها غالبه گردید و تین فرانسه و انگلیس عزل شریف پاشا و انحلال مجلس شورای ملی مصر را خواستار شدند بجای شریف پاشا ریاض پاشای معروف را که سابقاً خدمات درخشانی باجانب انجام داده بود بریاست وزرانی انتخاب کردند مجدداً اوضاع و احوال بزمان سابق عود نمود اداره تقنین دول مجدداً برقرار گردید بار دیگر فرانسویها مقامی در سیاست مصر برای خود اجراء نمودند و جدیدت آنها باز زیاده گشت در صورتیکه انگلیسها باطناً مخالفت مینمودند حکومت جدید بساط مشروطیت را برچید و مجلس را منحل کرد بار دیگر استبداد سابق برقرار شد.

هر کس صدایش در آمد تنبیه شد هر روز نامه عنوان تازه میکرد توقیف میشد هر کس عراض داشت و میخواست از آنه دهد گرفتار و تبعید میگردد. (۲)

قرض دیگری در حدود ۲۲ میلیون لیره مجدداً انجام شد سایر مؤسسات مملکتی که بگرو قرض قبلی نرفته بود این بار بگرو رفت از قبیل رام آهن - بنادر - تلگراف و گمرک و مالیات چهار ایالت دیگر تمام عایدات مملکت در حقیقت برای قرض های کهنه و نو تخصیص داده شد فقط ۳۴ درصد کلیه عایدات مملکت برای احتیاجات مملکتی بمصرف

(۱) اسمعیل پاشا الحق از بهترین خدیوهای مصر بوده پیداری سکنه مصر در اثر مجاهدتهای او بوده تاریخ زمان او با قلم دشمن نوشته شده هر چه درباره او گفته اند تهمت و افتراء صرف بوده نسبت بمملکت مصر خدمات ذی قیمت نمود بیاید روزی که ملت مصر او را پیرستند و مقام و خدمات او را در تاریخ مصر بشانند اسمعیل پاشا در مارس ۱۸۹۵ میلادی مطابق ۲۱۲ هجری در استامبول وفات کرد.

(۲) خرابی مصر ص ۱۰۷

میرسید در تمام رشته‌های امور مصر خرابی و ویرانی مشاهده میشد اساساً کسی بفکر مملکت و ملت مصر نبود نظر اساسی این بود که منافع طلب کاران تأمین شود در این تاربخ دولتی انگلیس و فرانسه هر دو متفقاً امور مملکت مصر را اداره میکردند دو دولت تمدن غرب يك مملکت افریقائی را دست گرفتند میخواستند تمدن اروپا را در آنجا برقرار کنند .

• مؤلف کتاب خرابی مصر مینویسد : « تمام اینیه ملی و مؤسسات عمومی رو بخرابی و ویرانی میرفت عده مستخدمین اروپائی در سال ۱۲۹۸ - ۱۸۸۰ به ۲۵۰ نفر میرسید در سال ۱۸۸۲ به ۱۳۲۵ نفر بالغ گردید . میزان حقوق این ها که از صندوق يك چنین ملت گدا و پریشان حال و مقروض سالیانه بالغ بر (۳۸۰۰۰۰) سیصد و هشتاد هزار لیره گردیده بود . این بولهارا نمایندگان مشول دولتی فرانسه و انگلیس گدا مور مملکت مصر را در اختیار خود گرفته بودند در موقعی میپرداختند که سکنه مملکت مصر در نهایت عسرت و پریشانی زندگانی مینمود برای چرخاندن عرانه ادارات مملکت دیناری وجه پیدائمی شد در خانه علاوه میکند این گله مستخدمین خارجی مصر خود بگانه عامل مهم خرابی مصر بودند (۱)

در این ایام که نمایندگان هر دو دولت تمدن در مصر حکومت میکردند در این دوره مختصر بیش از هر دوره امتیازات با تابع دولتی داده شد انگلیسها امتیازات عریض و طویل بدست آوردند فرانسویها نیز از آنها عقب نمانده عده از امتیازات مهم مملکتی را از دولت مصر بدست آوردند تمام اینها هر يك بدرجه خود اسباب خرابی مصر بود با این حال این امتیازات داده میشد بدون اینکه حقوق و منافع مملکت مصر در نظر گرفته شود .

یکی از قضات معروف اروپا در کتابی موسوم به مسئله مصر (۲) چنین مینویسد :
 • ایجاد حکومت دولتی انگلیس و فرانسه در مصر يك موضوع سیاسی و مقصود اصلی آن فلج کردن دستگاه اداری مملکت مصر بود ولکه دار کردن خدیو در انتظار

(۱) ایضاً س ۱۱۸ .

(2) La question Egyptienne By M . De Martens . p . 37 1

مخصوصاً در نظر ملت مصر و جلوگیری از اجرای احکام قوه قضائیه و اصلاحات مفیده برای اداره کردن مصر و جلوگیری از هراقبامی که ممکن است بضرر سرمایه‌داران اروپائی تمام شود .

در هر حال نمایندگان دولت انگلیس و فرانسه توفیق باشارا که يك جوان بی تجربه و غیر آزموده بود بدست گرفته در تمام امور مملکت مصر دخالت نموده تمام آنها را بر طبق میل و اراده خودشان بآن شکل و ترتیبی که میخواستند در آوردند فقط در يك قسمت نتوانستند نفوذ پیدا کنند آن نظام مصر بود که دست فساد اجنبی نتوانست در آن ایجاد فساد کند بخصوص در این موقع شخصی موسوم به سرهنگ احمد اعرابی در میان قشون مصر بواسطه فداکاری و وطن پرستی خود عنوانی پیدا کرده دارای نفوذ شده بود .

نظام مصر در وفاداری خود نسبت بوطن باقی بود ولی عمال اجنبی که نماینده مملکت را در دست گرفته بودند با شکل حقوق و مقرری نظام را میسر سایدند گاهی میشد که ماهها حقوق آنها عقب میافتاد و از این حیث میتوان گفت باحال فقر و بدبختی مملکت تمام آنها در صرت بودند چاره هم نداشتند و مایل هم نبودند از رسیدن نظام خارج گردند .

اما صبر و حوصله و متانت نیز دارای يك حد و حدودی است از آنکه تجاوز کرد انسان ولو هر قدر صبور و بردبار هم باشد از دایره متانت خارج میشود در این موقع است (۱۲۸۸ - ۱۸۸۰) که عمده از صاحب منصبان در اعرابی پاشا جمع شده با تفاق عریضه به حکومت مصر برای رسیدن حقوق و مقرری خودشان ارائه میدهند در آن اوضاع اسفند آور نظامیان را شرح داده حقوق خودشان را مطالبه میکنند بعد از رسیدگی معلوم میگردد که موضوع صحیح است .

در ژانویه سال ۱۸۸۱ - ۱۲۹۹ باز عریضه دیگر بریاض پاشا رئیس الوزراء از طرف صاحب منصبان داده میشود در آن بعضی شکایت‌های دیگر علاوه نمودم عزل عثمان رفیقی پاشا وزیر جنگ را جدا میخواستند البته این عریضه حکم شورش را داشت و هیئت وزراء تصمیم گرفت از آنها جلوگیری کنند چون علناً نمیتوانستند معرکین را

توقیف کنند متوسل بوسایل نامشروع شدند اعرابی پاشا و دو نفر صاحب منصبان دیگر را که سران آنها بودند اجضار نمودند که در دربار حاضر شوند و در موضوع عروسی یکی از شاهزاده خانم های مصر برای تشریفات آن مذاکره کنند نقشه این عمل با موافقت توفیق پاشا خدیو کشیده شد و دام گسترده گردید و حضرات بقصر سلطنتی دعوت شده گرفتار گردیدند ولی بمقصود ناآل نشدند چونکه فرمانده قصر سلطنتی از موضوع مطلع شده بود همینکه اعرابی پاشا با دو نفر دیگر در قصر حاضر شده گرفتار گشتند صاحب منصب مستحق قصر فوری با نظامیان خود داخل شده حضرات را از بندنجات داده با اتفاق هم بسر بازخانه رفتند .

همینکه حضرات بسر بازخانه برگشتند فوری يك بیانیه نشر داده تمام وقایع و پیش آمد را شرح دادند و در ضمن همان بیانیه جنگ را مجدداً درخواست نمودند . هیئت دولت دیگر این بار چاره نداشتند مجبور شدند عثمان رفیقی پاشا را معزول نموده بجای او محمود سامی پاشا را که در کابینه شریف پاشا وزیر بود انتخاب کردند .

این دومین اقدام بود که قشون نمود و در هر دو مورد موفق شواین پیش آمدها که از راه استیصال بود قشون را بدایره سیاست کشانید این خود یکی از بدبختیهای يك مملکتی است که قشون در سیاست آن مملکت دخالت کند و در این تاریخ هم اگر چه ناچار بودند نورامدیگری نداشتند با تمام این احوال صلاح يك مملکتی نیست که بگذارد توده نظامی آن مملکت در سیاست دخالت کند این حکم آنرا دارد که انسان عقل خود را کنار گذاشته حل مسائل را بقوت و قدرت بازوی خود حواله کند .

بهر حال این اقدام اعرابی پاشا بوطن خواهان حقیقی مصر نیز امیدواری داد فهمیدند که يك قوه وجود دارد که بتواند از بعضی مسائل که بضرر مملکت است جلوگیری کند این امیدواری هاسیب شد که وطن خواهان حقیقی در اطراف قشون جمع شدند و از نجات دهند مملکت مصر نامیدند .

در این تاریخ اعرابی پاشایگانه مرد توانای مصر شناخته شد تمام رؤسای سیاسیون مصر هر يك بنوبه خود با او رابطه خصوصی پیدا نموده و حل مسائل سیاسی مملکت را با او

شور و مشورت میگردند .

البته ریاض پاشا و همدستهای او از این پیش آمده ناراضی بودند و فهمیدند که يك عامل مؤثری در صحنه سیاست مصر پیدا شده است و يك چنین عاملی را نمیتوان بازی داد و ناچار بودند با آنها از در موافقت پیش آیند و در عین حال يك عده زیادی جاسوس تهیه شد که رفتار و حرکات نظامیان تا اندازه مهم را دنبال کنند خانه و اماکن آنها بطور خیلی محرمانه تحت نظر گرفته شد و معروف شد که برای محو و زوال اعرابی پاشا و محور سامی پاشا عده ای را بکار انداختند خود خدیو توفیق پاشا و ریاض پاشا هر دو را محرک این نوع عملیات معرفی میگردند و شکی نبود که وزراء اروپائی کابینه نیز از حرکات محرمانه حضرات مطلع بودند ولی هیچ اقدامی برای جلوگیری آنها بعمل نمی آوردند .

مؤلف کتاب خرابی مصر میگوید : « در این موقع فقط کسیکه از اعمال و رفتار دولت اظهار عدم رضایت مینمود **بارون درنگ** (۱) قونسول جنرال دولت فرانسه بود که با ملیون مصر نظر موافق داشت نسبت بآنها دلسوزی و همدردی اظهار میکرد بقیه خود تصور مینمود اگر باز عده ای ملت مصر همراهی کند بفتح دولت فرانسه است و باین وسیله میتواند از تجاوزات انگلیسها در مصر جلوگیری کند اما این مساعدت بجائی نرسید توفیق پاشا را حاضر کردند که از دولت فرانسه بخواهد بارون درنگ را احضار کند همین طور هم شد قونسول جنرال فرانسه مصر را ترك کرد حال دیگر کسی از خارجی ها صاحب نفوذ نبود از سایس و تحریرکات ریاض پاشا جلوگیری کند .

اما ریاض پاشا از قشون ایمن نبود مدام در فکر بود بچه وسیله قشون را از شهر قاهره پراکنده کند طرح نوی ریخت که اعرابی پاشا و هم دست و متحدان عبدال .. را بتواخی دور دست با قشونهای ابواب جمعی آنها بعنوان مأموریت تبعید کند ولی محمود سامی مخالفت کرد و در نتیجه محمود سامی از وزارت جنگ کناره گیری کرد و بجای او **داود پاشا** برادر زن خدیو که یکی از اشخاص مستبد خود خواه بود انتخاب گردید داود پاشا خواست هر دو نفر را با قشونهای خودشان بمأموریت بفرستد ولی اعرابی پاشا

قبول نمود به توفیق پاشا پیغام فرستاد که بافتون ابواب جمعی خود در قصر عابدین
بسنور خواهد رسید .

اعرابی پاشا باین پیغام عمل نمود و در مقابله قصر صرف آرائی کرده منتظر خدیو شد.
خدیو در ساعت ۴ بعد از ظهر رسید همراه او ریاض پاشا و سرانگلفند کولونین^(۱) باجمعی
دیگر وارد شدند قبلا خدیو سایر سر بازخانهها رفته بود از آنها استمزاج حاصل کند که
بالو وفاداری خواهند نمود پاته بهلاوه خدیو القاء شده بود که اعرابی پاشا را در همانجا
بکشد و معلوم بود که دارای این جرئت نبوده پس از آنکه با اعرابی پاشا مذاکره نمود
کلمات خشن بین آنها رد و بدل شده خدیو بصر مراجعت نمود و فونسول جنرال انگلیس
ستر کولمن^(۲) پیش آنها واسطه شد چندین بار پیغام آورد و جواب برد بالاخره
خدیو تسلیم شد و تقاضاهای اعرابی پاشا را قبول نمود و کار خاتمه پیدا کرد .

تقاضاهای اعرابی پاشا عبارت بود اول عزل وزراء - دوم اعلان مشروطیت - سوم تکمیل
نفقات قشون بهجده هزار نفر .

مقصود ملیون بایک انقلاب آرام و ملایم که بدون ریختن يك قطره خون انجام
گرفت شریف پاشا آن مرد شریف وطن خواه مأمور تشکیل کابینه شد و قرار دادند برای
آخر سال نیز و کلاه ملت انتخاب شده مجلس میبوشان مصر تشکیل گردد .^(۳)

در این موقع است که ملت حماس مصر جشنها گرفته برای نجات وطن خود فدائیکاری
حاضرمودند که بیدنیان ثابت کنند اینها نیز يك ملت حماس هستند بوطنشان علاقه مند هستند
و در عین حال حاضرند آنها تمام ملل روی زمین با مسالمت و دوستی رفتار کنند و منافع هر
پاکسرادر جای خود تمیز میدهند و حاضرند آنها را با صمیمیت حفظ کنند ولی جراثمدان انگلستان
آغز بدینی را گذاشت حرکات ملیون مصر را بپناوین بسیار بدی نشر داد رنگه آنها را
سیاه و تاریک جلوه داد .

در این موقع است که سراندارد حالت^(۴) بمأموریت محرمانه با ستامبول می-

[1] Sir Auckland Colvin

[2] Cookson .

(۳) کتاب خرابی مصر منصفه ۱۳۲

[4] Sir Edward Malet

رودشاید باین نیست که دربار سلطان عثمانی را حاضر کنند که امرایی پاشا را برداشته قشون مصر را ساکت و آرام کنند .

مؤلف فوق‌الذکر مینویسد : « هیچ‌شکی نیست که در این تاریخ مکاتبات سیاسی زیاد در این میان ردوبدل شده است و هیچ تردید نداشتند از اینکه دولتین فرانسه و انگلیس با مصر بازی میکردند تا اینکه در موقع مناسب مملکت مصر را قبضه کنند . (۱) اقدام‌های اعرایی پاشا چشم و گوش مردمان حریص اروپا را باز کرد دنیا را متوجه مصر نمود و ملت مصر را از خواب شرقی بیدار کرد اروپائیهای مقیم مصر را که امور دولت را در دست گرفته بودند متوجه احساسات سکنه مملکت مصر نمود تا حال رفتار آنها خیلی آبراهه و میتوان گفت بیرحمانه و غیر عادلانه بود حال مشاهده نمودند یک‌سره در میان ملت مصر پیدا میشود جان را بکف گرفته بآنها بگویند آقایان بس است .

این نمایش اعرایی پاشا و موفقیت اسیاست انگلیس و فرانسه را تا حدی در مسائل مصر فلج نمود بخصوص اعلامیه اعرایی پاشا که در آن اظهار نمود که مقصود اصلی از این اقدامات حفظ منافع داخلی و خارجی مصر است بخصوص حافظ منافع اتباع دول خارجی که در مصر علاقه مند هستند و با ملت مصر اظهار دوستی و صمیمیت میکنند .

البته بیت‌ملیون مصر کاملاً صمیمی بود و بآنچه اشاره نموده بودند ایمان داشتند ولی پیدا است که هر اقدامی بنفع ملت انجام شود بر ضرر یک‌سره از خارجیها بوده که مالیه مملکت مصر را بدست گرفته هر قصدی که داشتند انجام میدادند و هیچ‌شکی نداشت که یکی از علل انقلاب اخیر زیسادی عنده روز افزون مستخدمین اروپائی در خدمت دولت مصر بود که هر یک با مصالح هنگفت مصدر شغل‌های دولتی شده بودند و حقوق‌های گزافی دریافت میداشتند در صورتیکه مستخدمین بومی دولت ماهها و سالها روی حقوق را رؤیت نمیکردند .

مؤلف کتاب خرابی مصر گوید : « این حقیقت را نمیتوان پرده‌پوشی کرد این جنبش ملی هیچ مقصودی نداشت جز اینکه دخالت اروپائیها را در امور مملکت مصر از بین

ببرند سابقاً این فکر فقط در میان عده از رجال بود ولی فعلا چنین نیست توده ملت مخصوصاً سکنه اسکندریه و قاهره تماماً با این عقیده همراهند که مصر را باید خود مصری‌ها اداره کنند. (۱)

حکومت ملی شروع با اصلاحات نمود پارلمان تشکیل گردید از بعضی دوا یر و ادارات راپرت عملیات آنها را خواستد بر علیه مالیاتهای غیر عادلانه اقدام شد با اصلاحات دوا یر دولتی و مالی و قشونی به تمام آنها بایکفدا کاری فوق العاده شروع کردند. عموم ملت مصر تمام کوشش خود را در راه ترقی مملکت و سعادت ملت بکار میبردند.

ولی اروپائیا با این نهضت موافق نبودند و حاضر نبودند چنین جنبشی را بین ملت مصر مشاهده کنند هیچانهای ملی مصر در اروپا، مخصوصاً در انگلستان و فرانسه تولید نگرانی نمود هر دو دولت دچار ترس و وحشت شدند و تا حال تصور میشود که کار تمام شده همینکه اسمعیل پاشا عزول شد دیگر سر و صدائی از کسی بیرون نخواهد آمد ملت مصر در تحت حکومت خدیو جوان راضی و قانع خواهد شد حال این جنبش ملی نشان میداد که حسابهای آنها صحیح نبوده و خیلی اشتباه کرده بودند حال دیگر میبایست سیاست دیگر اتخاذ شود دوام نمودن حکومت ملی باعث خواهد شد که سکنه مصر برای حفظ استقلال وطن خود آماده شوند و در مقابل هر تجاوز اجنبی ایستادگی کنند این سنخ فکر در انگلستان رواج داشت که حال باید فرصت تداد و برای اشغال مصر اقدام نمود. (۲)

در این تاریخ ۱۲۹۹ - ۱۸۸۱ دیگر در انگلستان اشغال نظامی مصر چیزی نبوده که در پرده باشد اشخاص متنفذ تصرف آنرا پیشنهاد مینمودند مخصوصاً که کابینه کلداستون روی کار آمده اولیای امور انگلستان را متوجه افریقا کرده بود و برای اشغال مصر چندین ترسی بنداشت جز فرانسه راضی نمودن سایر دول چندان اشکالی نداشت فرانسه فقط در این مورد خطرناک معرفی مینمود اگر انگلستان اقدام مینمود میبایست فرانسه نیز در این عمل شرکت کند ولی کابینه کلداستون این مشارکت را خطا میدانست اما بجای خود

[۱] خرابی مصر ص ۱۳۴

[۲] ایضاً ص ۱۳۵

گذاشتن ملیون مصر آن نیز خطرناک بود کاینکه لندن اول تصور نمود شاید بتواند با دست باستانی بمقصود نایل آید و بانفوذ و قدرت استانبول مصر را مغلوب کند ولی از این قیمت مساعدت نشد تاچار وزیر امور خارجه انگلستان (۱) توسط شارژدافر خود در پاریس با وزیر امور خارجه فرانسه (۲) موضوع را در میان نهاد صریح بگوید که دولت پادشاهی انگلستان راجع بامور مصر نگران است.

مؤلف گوید: «هیلر و زیر امور خارجه فرانسه همان درجه زیرک و باهوش بود که وزیر امور خارجه انگلستان زیرک بود در جواب شارژدافر انگلستان بگوید زبانی همین طور است سیاست فرانسه نسبت بمصر هیچ تغییر نکرده همان است که بود مقصود اینکه دولتین فرانسه و انگلیس هر کاری را نسبت بمملکت مصر انجام میدهند همه باهم همقدم باشند و متفقاً اقدام کنند مقصود این بود که دولتین در اقدامات نظامی باهم شریک باشند بعلاوه یاد آوری نمود که فرستادن قشون عثمانی بمصر موافق سیاسی نیست چو آنکه ما با اجازه خود بدولت عثمانی در مسائل مصر دخالت داده ایم فعلاً این کار صلاح نیست. در این موقع دولت انگلستان باز اصرار داشت عثمانی ها در این موضوع اقدام کنند البته دولت انگلیس با این نظر اینکه قشونهای فرانسه و انگلیس باهم در امور مصر دخالت کنند راضی نمی شد چو آنکه فقط خیالی که کاینکه لندن داشت این بود که مصر را به تنهایی تصاحب کند.» (۳)

در این موقع کار مصر برای انگلستان خیلی بفرنج شد اول اصرار داشت پادشاهی عثمانی از ملیون مصر جلوگیری کند فرانسه مخالفت کرد خواست با اجازه فرانسه خود مقدم شود فرانسه مانع شد اگر چه هر دو دولت با ملیون مصر مخالف بودند ولی فرانسه برای اینکه منافع خود آن بنظر نیفتد حاضر شد با انگلستان متفقاً از آمال ملیون مصر جلوگیری کنند این راهم انگلستان راضی نبود چو آنکه مصر را فقط برای حفظ هندوستان لازم داشت. در همین تاریخ است که تالیس لندن زبان سیاستمداران انگلستان شروع بگفتار

(1) Lord Granvill

(2) M. Barthelemy St. Hilaire

(۳) انجمنی مصر (ص ۸۳۷)

کرد و حقیقت مطلب را بگوش فرانسویها رسانید که یکن از این برای تصراف مصدر دست و پا نکنند.

روزنامه فوق الذکر در تاریخ ۱۹ اکتبر ۱۲۹۹ - ۱۸۸۱ چنین مینویسد: «ماکت جز عرض و طول هندوستان ما اینجا ب میکنند که راجع مصر نظریات مخصوص داشته باشیم این مقصود میاسی که انگلستان در مصر دارد هرگز اجازه نمیدهد آن را سایر دول تحت الشعاع قرار بدهند و هرگز حاضر نخواهیم بود این مقصود ما بواسطه دیگران تغییر کند.» (۱)

از طرف دیگر میلیون مصر باعلاقه مندی تمام برای سعادت مصر میکوشیدند تا اینکه اعرابی پاشا شهرت بزیابدا کرده بود مانند یاک سرباز از سیاست کناره نمود حتی از قاهره نیز خارج شد و تمام امور مملکتی را بشریف پاشا که طرف اعتماد بود واگذار کرد. اما باید در خاطر داشت که شریف پاشا هر چند مرد وطن خواه و بی غرض بود باز صفات اشرافی خود را از دست نداده بود و چندان با آزادی و اصول دموکراسی که قبلا در نظر داشت در این موقع موافقت ننشاست و همین مسئله باعث شد که بین ایشان و اعرابی پاشا اختلاف نظر پیدا شد حتی کلا بجائی کشید که اگر اعرابی پاشا اصرار در پیشرفت نظریات خود می نمود شریف پاشا استعفا میداد اما از آن بجائی که شریف پاشا تحت نفوذ قونسول انگلیس (۲) واقع شده بود پیشنهادهای اعرابی پاشا را قبول نمود تا بخار او نیز اضرائی نکرد و تسلیم نظریات شریف پاشا شد.

در يك موضوع دیگر بازمین شریف پاشا و اعرابی پاشا اختلاف نظر پیدا شد این بار تا اندازه این اختلاف شدید شد آن موضوع راجع بتکمیل نفقات قشون بود که عد آن بر ۱۸۵۰۰ نفر بالغ میگردد و همین مسئله را توفیق پاشا خدیو مصر نیز قبول نموده بود اما موضوع مالی بزرگترین ممانع انجام این مقصود بود در این جا نیز قونسول جنرال انگلیس دخالت نمود و اظهار کرد که تکمیل این عده ششصد هزار لیره تکمیل نه بودجه خواهد بود. در سر این موضوع مشاجرات زیاد بین قشون و مالی

پیش آمد در این جا نیز اعرابی پادشاه تسلیم شده و تقواست. اختلافات طرفین مقصود
مليون را خراب کند و حاضر شد مخارج و مقرری زیادی عده را از سایر مصارف
قشونی جبران کند.

این هانشان میدهد قشون مليون مصر تاچه اندازه حاضر بودند با وفق ومدارا
رفتار کنند که بین آنها و اروپائیهائیکه در امور مملکت مصر دخالت داشته اسطلاکی
پیدا نشود حتی در سایر مسائل نیز باکمال احتیاط رفتار مینمودند که بهانه بدست
اجنبی نیفتد.

اما سیاسيون اروپا: مقصود سیاسيون انگلیس و فرانسه این بود که اعتنائی باین
جنبشهای ملی مصر نداشته باشند آنها دنبال مقاصد دیگر بودند انگلستان مصر را
برای خود میخواهند که فرانسه در آن هیچ دخالتی نداشته باشد. فرانسه اذعان داشت
مصر تا حدی تمدن فرانسه را تقریباً در مدت يك قرن فرا گرفته بفرانسه بیشتر میرسد
تا بدوکت انگلیس و حق دولت فرانسه است که وادی نیل را تصاحب کند چون میداست
انگلیسها ولیکن معامله نیستند ناچار بودند بهر کاری در مصر اقدام مینکنند انگلیسها
نیز در آن کار شریک باشند.

باز در اواخر سال ۱۸۸۱ وزیر امور خارجه فرانسه بوزیر امور خارجه انگلستان
مراجعه نموده پیشنهاد کرد همینطور که از طرف دولتین مسائل کشوری در مصر اداره
شود و این طور صلاح اندیشی کرده دو نفر جنرال یکی از جنرالهای فرانسه و یک
نفر هم از جنرالهای انگلستان بمصر اعزام شوند که قشون آنها را تحت اوامر خودشان
اداره کنند اما وزیر امور خارجه انگلیسی هیچ جوابی باین پیشنهاد نداد (۱)

در سیاست تصور نمیرود سیاسيون سایر دول بتوانند بتارجال سیاسی انگلستان
برابری کنند بچهرت میتوان گفت سیاستمداران انگلستان آگاه به صیر و مجرب و
یگانه عصر هستند بدون تردید در فکر و عمل از تمام آنها برترند همیشه نشان داده اند
در فهم قضایای سیاسی و حل آنها از هر سیاستمداری بصیر ترند.

مليون مصر باکمال احتیاط - با وفق و مدارا و فداکاری و گذشت و اصول میانه روی

بدون آنکه بمنافع اروپائیانها لطمه وارد آید مشغول اصلاح اوضاع مملکت خود بودند، فرانسه اصرار دارد دو لیتین انگلیس و فرانسه همانطور که مالیه مصر را در تحت اختیار خود گرفته اند قشون آنها را نیز تحت امر و اطاعت خود در آورند اما انگلستان فقط مصر را برای خود میخواهد و پس اما نمیخواهد این نیت او را که می آگاه شود و ظاهر آساکت است اما و زیر مختار آن در اسلامبول نگران است مبادا اتباع سایر دول در اسکندریه و مصر در خطر واقع شوند پیشنهاد میکند برای اینکه اروپائیانها بتوانند در يك پناه گاهی خاطر جمع باشند که در موقع خطر بتوانند یا آنها پناه ببرند بهتر است دولت انگلستان يك کشتی جنگی یا اسکندریه اعزام دارد که در موقع لزوم اروپائیانهای اسکندریه و قاهره بتوانند پناه آن پناه ببرند دولت انگلستان این پیشنهادها را عاقلانه میدانند بدولت فرانسه هم پیشنهادها را میکند آنها هم يك کشتی یا بهای اسکندریه بفرستند آن دولت نیز مفت خود داشته موافقت میکند .

اما پادشاه امر این نبود چون دولت عثمانی مأمورین مخصوص مصر اعزام داشته بود که در این اتفاقات حق حاکمیت دولت عثمانی را در آن مملکت حفظ کنند و اگر این مأمورین وارد مصر میشدند ممکن بود برای پیشرفت خیالات دولت انگلیس موانعی ایجاد کنند فرستادن این کشتی های جنگی فقط برای ترسانیدن دولت عثمانی بود همیشه در قاره برای آمدن این کشتی ها هیچمانی تولید گردید دولت انگلستان عنوان نمود اگر مأمورین دولت عثمانی مراجعت کنند کشتی های جنگی دولیتین نیز بمحل های خود مراجعت خواهند کرد همین طور هم شد مأمورین دولت عثمانی بر گشتند و کشتی ها هم مراجعت نمودند (۱)

تاریخ این ایام مصر برای هر ملت شرقی يك درس عبرتی است که نباید آنرا هرگز فراموش کند. مخصوصاً تاریخ ۱۸۸۰ تا ۱۸۸۲ در این چند ساله ملت مصر باز جال درجه اول خود و توده ملت و نظامیان هر ۳ طبقه بایش جدیدیت و قداکری بر نظیری میکوشند يك حکومت صحیحی در مصر ایجاد کنند از طرف دیگر دولیتین انگلیس و فرانسه بایک نیرنگی های سیاسی که مخصوص سیاستمداران اروپائیان است مشغول بودند ملت مصر را از

تأسیس يك چنین حكومتی جلوگیری کنند ، با آنكه هر سه دسته متوجه این تكنه بودند كه بیپنجه بیهانه بدست اجنبی ندادند آنها را نترسانند و بمنافع آنها ممكنه مواز دنیاورند كه اسباب اختلاف گردد حتی حاضر بودند در قسمت های مالی آنچه كه مربوط به کنترل دو گانه دولتین فرانسه و انگلیس بود دخالت كنند میاذا اسباب رنجش و یا تولید كدورت كنند ولی با همه این احوال چنانچه تاریخ سایر ملك شرقی نیز آنرا نشان میدهد حصول اروپائی راضی وقانع نیستند تا اینکه آنچه كه در نظر دارند اجرا كنند آنها هم عبارت از این است كه بكلی قوای ملی آن مملكت را درهم شكند و برای پیدا كردن بیهانه نیز از هر حیث استاد و ماهر هیاتند .

در مدت این ۳ سال اعیان و اشراف مصر و قشون مصر و ملت مصر با نهایت صمیمیت برای بهبودی مملكت مصر میکوشیدند و منافع دول خارجی را نیز از هر جهت رعایت می نمودند و حاضر نبودند هیچ نوع اصطكاکی با آنها داشته باشند ولی بانجام این احوال ملاحظه خواهند نمود چه بر سر ملت مصر در آورند .

در اواسط دسامبر ۱۸۸۱ گامینه خرافات مخصوص شد البته وزیر امور خارجه آن نیز تغییر کرد این بار لویو گامبتا كه شرح حال او قبلا گذشت وزیر امور خارجه شد او طور یكه در شرح زندگانی او نوشته شده جدا طرفدار دولت انگلستان بود من در شرح زندگانی او در چندین محل خواندم كه همیشه به سیاسیون فرانسه توصیه نموده است كه برای كشین انتقام از آلمان ملت فرانسه باید بروسها و انگلیسها نزدیک شود تا بتواند شكست ۱۸۷۱ را جبران كند و از آلمان انتقام بگشود تا گامیتا حیات داشت این اساس سیاست خارجی او بود .

در این تاریخ كه روی كار آمد بدولت انگلیس پیشنهاد نمود كه بهتر است بخدیو مصر كمك كرد و او را تشویق نمود كه در مقابل ملیون استادگی كند و آنها را محدود كند و باو باید گفت كه مملكت خود را خود بقوم و نفوذ شخصی خود اداره كند البته این یکی از آن سیاس سیاسی است كه بین دولت و ملت و مصر تولید نفاق كند .

تولید كنند كتاب خرابی مصر كه يك جزوه مطلع بوده و تمام اسناد و مذاكره این ایام را بدقت مطالعه نموده است و در این باب مینویسد : گامیتا اوضاع مصر را بخوبی مطالعه

میتمود و می‌دیناگر بگذارد اوضاع و احوال سابق مصر از بین برود و ملیون داخل عملیات بشوند قسوق العاده خطرناک است. یساین لحاظ نوزیر مختار دولت انگلیس مقیم دربار فرانسه را حجه نمود تا اظهار کرد عنقریب مجلس ملی مصر تشکیل خواهد شد و ما امید داریم آنها چه نظریاتی خواهند داشت ممکن است میان ما و ایشانند با خدیو نزدیک شویم و بیوفیرمان او اطاعت کنند و با اینکه با قسوق همراه شده با سیاست ضد اروپائی ملیون همراه باشند و حتی ممکن است به باب عالی متوسل شده از آنها کمک بخواهند که بین ملیون مصر و دولتین فرانسه و انگلیس دخالت کنند آیا در این صورت دولت پادشاهی انگلستان صلاح میداند که قبلا دولتین با هم مشورت کرده سیاست آینده خودشان را نسبت بمصر روشن کنند؟

گامتا علاوه نموده: بهتر است دولتین در این موضوع متحد شده بدوستان و دشمنان خودشان در مصر بهر دو ثابت کنند که راجع بمسائل مصر دولتین هر دو یک نظر را تعقیب میکنند و در ضمن لازم است که توفیق پاشا خدیو مصر را تقویت کنند و از حمایت دولتین انگلیس و فرانسه او را مطلع گردانند و بگویند قدرت و نفوذ خود را بکار برند و به باب عالی نیز لازم است تذکر داده شود که بنسب این خود در مصر خاتمه دهد و دولتین راضی نخواهند شد دولت عثمانی در مسائل مصر دخالت کند. (۱)

در این تاریخ روزنامه‌های اروپا اخبار وحشت آوری راجع بمصر انتشار میدادند و از اوضاع غیر عادی و انقلاب آن نگران بودند در صورتیکه هیچ چیز در مصر نبود و ملیون و اولیای امور با نهایت آرامی و میانگروی مشغول کار خود بودند.

دولت انگلستان با این پیشنهاد دولت فرانسه موافقت نمود گامتا وزیر امور خارجه فرانسه یاد داشت دولتین را حاضر نمود غرض از این یادداشت بدولت مصر این بود انقلاب تازه در مصر رخ ندهد چونکه دولتین فرانسه و انگلیس چنین پیش آمدی را قبول نخواهند کرد و موافقت کامل بین دولتین است که مقام خدیو را محکم کنند تا اینکه نگذارند شورش تازه در مصر شروع گردد دولتین سلطنت مصر را برای توفیق پاشا حفظ خواهند کرد و آرا ضمانت میکنند خدیو مصر باید مطمئن شده مقدرات مسکنه مصر را در

دست خود بگیرد. (۱)

پاک‌چین یادداشتی را دولتین تهیه نموده و در اوائل ژانویه سال ۱۸۸۲-۱۳۰۰ دولت مصر تنظیم نمودند میلیون مصر هرگز چنین تصور را نمینمودند که در اول اقدامات آنها برای اصلاحات مصر چنین بلایی برآی آنها نازل شود و پاک‌چین یادداشت شیطنت آمیزی از طرف دولتین بمصر داده شود این خود پاک‌بوج تحریک‌علنی بود که خدیو را با ملت مصر طرفی کنند و در دولت مقتدر اروپائی از خدیو حمایت کنند که بر علیه ملت خود که تازه شروع با اصلاحات می‌نماید قیام کند.

علاوه بر این میلیون مصر چنین مقصودی در نظر نداشتند که بر علیه خدیو قیام کنند یا بخواهند از حقوق سلطنت چیزی بکاهند هرگز چنین فصدی را نداشتند علاوه بر صدیق خود نمایندگان سیاسی انگلستان برین خدیو و میلیون نهایت صمیمیت و یگانگی برقرار بود مخصوصاً در موقع افتتاح مجلس عالی مصر رئیس مجلس واعیان و اشراف تماماً از خدیو تشکر نموده بودند خود خدیو کمال رضایت را از ملت داشت و بمجلس اظهار اعتماد مینمود حال چگونگی و از کجا و برای چه خدیو را بر علیه ملت و نمایندگان آن تحریک مینمودند.

تسلیم این یادداشت هیجان فوق‌العاده در مصر و عثمانی ایجاد نمود عمال سیاسی انگلستان خیلی سعی نمودند تفسیرات عجیب و غریب نسبت باین یادداشت اظهار بکنند که دولتین غرض و مقصودی بجز سعادت ملت مصر در نظر ندارند و لسی کار از کار گذشته بود و ملت مصر متوجه اصل یادداشت شده بود و میدانست که این یادداشت پاک‌بوج سیاسی و نتیجه آن دخالت در امور مصر است در این موقع است یک مرتبه بر علیه انگلستان ظاهر نمود و سلب اعتماد از آن دولت کرد هر چند گویند ممکن نشد از ذهن ملت مصر بیرون بیاورند که انگلستان نظر سوء نسبت به مصر ندارد فایده بخشید، مؤلف کتاب خرابی مصر می‌نویسد: آزارهای سیاسی دولت انگلیس مقیم مصر توضیحات داده که در این یادداشت موضوعی فوق‌العاده نیست امرایی پاشا جواب داده می‌گوید دولت انگلستان باید ما را بچه

فرض نموده باشد که معنی کلمات را نمیدانیم. (۱)

این یادداشت دولتی سبب شده که ملیون و نظام و نمایندگان مجلس ملی مصر هر سه با هم اتحاد صمیمی داشته باشند و هر سه دسته قوای خود را بر علیه تجاوزات دولتی بکار ببرند تا اینکه بتوانند استقلال وطن خودشان را حفظ کنند.

در این موقع است که قونسل جنرال انگلیس بوزیر امور خارجه انگلستان می نویسد: «هرگاه یک قرارداد واضح و روشنی بین ما و مصر برقرار نگردد اختلافات زیادی در بین پیدا شده روابط ما را با ملت مصر تیره خواهد نمود.»

اما بنظر قونسل جنرال این یادداشت دولتی بی موقع بوده و میبایست اثرات آن را از بین برد با شریف پاشا هم رأی شده از وزیر امور خارجه انگلستان تقاضا کردند طریقی اتخاذ کنند که اثرات سوء آن یادداشت را از خاطر اولیای امور مصر محو کنند و وزیر امور خارجه نیز موافقت نمود به لیون گامبتا پیشنهاد کرد یک توضیحاتی در اطراف آن یادداشت داده شود ولی گامبتا با این نظر همراه نشد و آن یادداشت را مناسب و بموقع میدانست.

خلاصه دولت انگلستان بایک اقدام چنانی بیات باطنی خود را غنی نمود. ملیون مصر که تا حال انگلستان را بیکانه کمک خود تصور می نمودند بایک یادداشتی بکلی آیرا بزخم زدند و سوزن غریبی در میان ملیون مصر تولید نمود نه تنها مصریون بهیچان آمده در اطراف یادداشت تنقیدات نمودند دولت عثمانی نیز برای حفظ حق حاکمیت خود در مصر متحداً مالی بدول اروپائی فرستاده باین یادداشت دولتی اعتراض کرد چو ایپائی که از دول اروپائی رسید حاکی از این بود که سایر دول نیز در مصر منافع دارند بهتر است این موضوع در یک کنفرانسی طرح شود.

یادداشت دولتی در موقعی داده شد که مجلس ملی تازه تشکیل شده میخواهد در هر مسائل مهم سیاسی مخصوصاً در موضوعات مالی دخالت کند البته در آن قسمت هائی که مربوط بفروض دولتی است و یا مربوط بودیعه آنهاست دخالتی نداشت مخصوصاً برای اینکه کاملاً این نکات رعایت شده باشد در آن باب بهیچوجه متعرض نشدند اما معلوم

بود که یادداشت فوق‌الذکر اثرات خود را بخشید. بین خودی و دولت از يك طرف و ملت از طرف دیگر جدائی افتاده بود این مسئله در موقع پیش نهاد قانون اساسی که شریف پاشا آنرا تهیه نموده بود بخوبی ظاهر شد. مجلس قانونی که شریف پاشا تهیه نموده بود در کرد و عنوان نمود قانونی را که لازم دارد وضع خواهد نمود موضوعی که بیش تر اختلاف طرفین را شدید نمود آن موضوع مالی بود مجلس میخواست در مسائل مالی دخالت کند گامینه شریف پاشا همچنین از عمال انگلیس ها ترس داشتند اگر مجلس در مسائل مالی دخالت کند آن عمده از رویائیها که با مواجب های گزاف در خدمت دولت مصر بودند آنها را اخراج خواهند نمود این مسئله برای دولت انگلیس خیلی ناگوار بود دولت فرانسه را نیز از این پیش آمد آگاه نمود گامبتا وزیر امور خارجه فرانسه عقیده داشت که بهیچ وجه نباید مجلس ملی مصر این حق را داده نگاه دولتی در مسائل مالی موافقت را نشان بدهند. لیون مصر چسور شده در بودجه کل مملکت مصر دخالت خواهد نمود آتوقت تمام زحمات اموری بین مالی دولتین در مصر از بین خواهد رفت و مملکت مشوش خواهد شد. (۱) عقیده قونسول جنرال انگلیس یادداشت دولتی خیلی بی موقع بوده بهتر بود داده نشود چونکه نتیجه آن بدون تردید بدخالت دولتین در امور مصر منجر میشود بنظر او این یادداشت بدون مطالعه داده شده است در این باب چنین مینویسد: «مجلس ملی مصر فعلا بوجود آمدن و در این کارها نیز دخالت خواهند نمود و مگر اینکه از آن جلوگیری شده بزور فشار بمالیات آن خاتمه داده شود»

این نیز بدون دخالت امکان نخواهد داشت و این آخرین علاج است که بالاخره یا نجا کشیده خواهد شد حال من عقیده دارم گذاشتن مجلس ملی این حق را داشته باشد همینکه از این حق سوءاستفاده کرد آنوقت دخالت شروع شود. حالیه ملت مصر خوب یا بد فعلا داخل در مرحله مشروطیت شده اند قانون اساسی برای آنها حکم برات آزادی را دارد»

اما این حرفها بگوش لرد کراوتیلد وزیر امور خارجه انگلستان فروسی رفت و در او هیچ تأثیری نداشت و متعاقب آن بدگامبتا وزیر امور خارجه فرانسه اطلاع داد که با